

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طلیعه قرن

پیام نوروزی و بیانات

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

فروردین ۱۴۰۰



معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیریت انتشارات

بهار ۱۴۰۰

شناسنامه کتاب

نام اثر:	طلیعه قرن پیام نوروزی و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، فروردین ۱۴۰۰
تهیه کننده:	معاونت فرهنگی و تبلیغات نماینده ولی فقیه در سپاه
تدوین کننده:	حسن شریعتی، امیرعلی ناقدی
طراح:	حمیدرضا نجفی شاهکوهی
چاپ:	بلاغ
نوبت چاپ:	اول
تاریخ نشر:	فروردین ۱۴۰۰
شمارگان:	۵۰۰۰ نسخه
تلفن توزیع:	۰۲۱-۳۵۲۳۳۸۷۸

فهرست

- ۴ | مقدمه: مروری بر علل نامگذاری سال‌ها توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در سال‌های گذشته
- ۳۲ | پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)، به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۰
- ۴۲ | سخنرانی نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) خطاب به ملت ایران در اولین روز سال ۱۴۰۰
- ۸۴ | دمیدن روح امید و فرهنگ کار بر کالبد جامعه
- ۱۰۰ | حضور پررنگ مردم در مدیریت مسایل کشور

مقدمه

مروری بر علل نامگذاری سال‌ها توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در سال‌های گذشته

تحویل سال رویدادی مهم برای ایرانی‌ها است. مردم ایران، با هر سلیقه‌ای با نام و یاد خداوند و استعانت از او وارد سال جدید می‌شوند و در این راستا چه در زمان حضرت امام رحمه‌الله علیه و چه امروز که رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)، زعامت و رهبری جامعه اسلامی را برعهده دارند، نگاه‌ها را به سوی مسائل اصلی کشور و آگاهی مردم از موفقیت‌ها، شکست‌ها، مشکلات پیش روی جامعه اسلامی و دیگر موضوعات مهم و اساسی هدایت نموده‌اند.

به نوعی پیام‌های نوروزی طی سال‌های

مختلف پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ضمن تبیین فرصت‌های پیش روی کشور، چالش‌ها، مشکلات، آسیب‌ها و دیگر نارسایی‌ها را بازگو و مسئولین را برای حل مشکلات و برنامه ریزی در این زمینه‌ها و مردم را برای همیاری و همراهی مورد خطاب قرار داده اند.

مقام معظم رهبری، بیشتر سال‌ها را با نامی مشخص نموده اند که به نظر می‌رسد فلسفه‌ی این کار جلب توجه مردم و مسئولین به يك ارزش و همین‌طور در نقطه‌ی مقابل آن به يك مشکل و لزوم برنامه ریزی و تصمیم‌گیری برای رفع آن است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، برپایه اطلاعات و گزارش‌هایی که از سراسر کشور دریافت می‌کنند و با مطالعه، تجربه و اشرافی که به مسایل گوناگون دارند هر سال را به موضوعی خاص اختصاص می‌دهند. در واقع از میان همه ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های مطلوب، مقام معظم رهبری يك ارزش را برجسته می‌کنند و در صدر قرار می‌دهند و توجه همگان را به آن جلب می‌کنند که این مهم به نوعی اعتلای

فرهنگ عمومی جامعه به شمار می رود. ایشان از هنگامی که سکان هدایت نظام جمهوری اسلامی را بر عهده گرفتند تا ۱۳۷۸ شمسی تنها تأکیده‌های لازم را در پیام نوروزی مطرح می کردند. در این سال‌ها تاکید رهبر معظم انقلاب بیشتر بر اموری چون اصلاح امور، عدالت اجتماعی، وجدان کار، انضباط اقتصادی، پرهیز از اسراف و صرفه جویی و توجه و تحکیم معنویت قرار داشت تا آن که در ۱۳۷۸ شمسی به عنوان سال امام خمینی (ره) سنتی جدید را برای نامگذاری سال‌ها در کشور پایه نهادند تا حرکتی تاثیرگذار در جامعه ایجاد شود. این سنت حسنه از ۱۳۸۲ شمسی با نام‌گذاری نهضت خدمتگزاری به مردم حالتی جدی به خود گرفت و موجبات تکاپو در میان مسئولان برای رسیدن به خواسته‌های نهایی عموم جامعه شد. مقام معظم رهبری، در تاریخ اول فروردین ۱۳۹۷ در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، درباره اهداف طرح شعار سال، فرمودند: «بعضی‌ها می‌گویند «شما شعار سال معین می‌کنید، فایده‌ای ندارد؛ عمل که نمی‌کنند،

چرا بیخودی شعار سال معین می‌کنید؟»
 بنده قبول ندارم این حرف را. شعار سال با دو منظور مطرح می‌شود: یکی جهت دادن به سیاست‌های اجرائی و عملکرد مسئولین دولتی و مسئولین حکومتی است، یکی توجه افکار عمومی است؛ یعنی افکار عمومی توجه پیدا کنند به اینکه چه مسئله‌ای امروز برای کشور مهم است؛ امروز برای کشور مسئله‌ی کالای ایرانی یک مسئله‌ی مهمی است. دولتی‌ها هم البته ممکن است در سال‌های مختلف، بعضی‌هایشان این شعارهایی را که ما هر سال معین می‌کنیم قبول نداشته باشند، اما آنهایی که قبول دارند تلاش می‌کنند، عمل می‌کنند، به قدر توان خودشان کار می‌کنند؛ البته اگر کار، بهتر و جامع‌تر انجام بگیرد، نتایج بیشتری به دست می‌آید. بنابراین، این جور نیست که این شعارها بی‌فایده باشد؛ نخیر، شعارها اتفاقاً بافایده است.»

این نامگذاری‌ها که به عنوان محور حرکت کشور در طول سال می‌باشد در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. ولی می‌توان

به طور کلی این نام‌گذاری‌ها را به سه بخش تقسیم کرد.

بخش اول:

نامگذاری سال به نام شخصیت‌ها

نام‌گذاری‌هایی است که به نام اشخاص صورت گرفته است، سال‌های ۷۸، ۷۹، ۸۱ و ۸۵ که به ترتیب به نام‌های سال امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، سال امام علی علیه‌السلام، سال عزت و افتخار حسینی و سال پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نام‌گذاری شد.

بخش دوم:

اشاره مستقیم نام سال به موضوع اقتصاد

غیر از این چهار سال، سایر نام‌گذاری‌ها به‌گونه‌ای است که با موضوع «اقتصاد» یا به شکل مستقیم و یا به صورت غیرمستقیم ارتباط دارد. در حقیقت رهبر معظم انقلاب از سال‌ها پیش به درستی تشخیص داده بودند که مهم‌ترین بخش در زمان حاضر، بخش اقتصادی است و باید بر روی آن تمرکز کرد. بدین ترتیب

بخش دوم را می‌توان نام‌گذاری‌هایی دانست که به‌صورت مستقیم به موضوع اقتصاد مربوط هستند.

در این قسمت می‌توان به سال‌های ۹۵ با نام «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، سال ۹۳ «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی»، سال ۹۲ «حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی»، سال ۹۱ «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی»، سال ۹۰ «جهاد اقتصادی»، سال ۸۸ «حرکت به‌سمت اصلاح الگوی مصرف»، سال ۸۰ «اقتدار ملی و اشتغال‌آفرینی»، سال ۷۷ «صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف، قناعت و پایداری بر مواضع اسلامی و انقلابی»، سال ۷۵ «تأکید بر ضرورت پرهیز از اسراف و حفظ ثروت و منابع عمومی کشور» و سال ۷۴ که با «تأکید بر وجدان کاری، انضباط اجتماعی، انضباط اقتصادی» همراه بود، اشاره نمود.

بخش سوم:

اشاره غیر مستقیم به موضوع اقتصاد

نام‌گذاری‌هایی است که به شکل غیر مستقیم به امر اقتصاد مربوط می‌شوند. در حقیقت اگرچه ممکن است در نگاه اول، موضوع اقتصاد در این سال‌ها نمود چندانی در ظاهر نداشته، اما با اندک تأملی در محتوای بیانات نوروزی، می‌توان پی برد که باز هم دغدغه‌ی اصلی مقام معظم رهبری اقتصاد و مشکلات معیشتی مردم بوده است. برای درک بیشتر این موضوع باید به تشریح نام‌گذاری‌ها از سوی معظم له توجه کنیم، به‌ویژه سخنانی‌های روز اول فروردین در جوار حرم مطهر رضوی. به‌طور مثال در تشریح سال ۹۴ با نام «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی به لزوم رونق به اقتصاد و تولید» اشاره فرمودند. همچنین در سال ۸۹ با نام «همت مضاعف، کار مضاعف به برداشتن گام‌های بلندتر دولت به همراه ملت در عرصه‌های اقتصادی»، سال ۸۷ با نام «نوآوری و شکوفایی» که یکی از معانی شکوفایی، «شکوفایی در اقتصاد» است اشاره

شده است. یا در سال ۸۴ با نام «همبستگی ملی و مشارکت عمومی» در تبیین این شعار می‌فرمایند: «آماده‌سازی زیرساخت لازم برای دستیابی به سند چشم‌انداز بیست‌ساله.» سند چشم‌انداز بیست‌ساله «یک بخش عمده‌اش بحث اقتصاد» است، سال ۸۲ با نام خدمت‌رسانی که در شرح خدمت‌رسانی بحث اقتصادی مطرح می‌شود، همچنین سال‌های ۷۳ که بر صرفه جویی تأکید شد و سال ۷۲ بر امر مهم عدالت اجتماعی تأکید فرمودند که این امر باز به حیطة اقتصاد و توزیع عادلانه‌ی ثروت در کشور باز می‌گردد.

مقام معظم رهبری حتی در همان پنج سالی که به اسم شخصیت‌های دینی نام‌گذاری شد، باز هم تأکیدشان بر مسئله‌ی اقتصاد بود. به‌صورت مشخص در سال پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «برداشتن گام‌های بلند و خیزش در جهت ساختن جامعه و تمدن مورد نظر پیامبر اکرم (ص).»

یعنی در همان جا هم بحث سازندگی مطرح شد. زیرا وقتی می‌گوییم تمدن، فقط

وجهی معنوی‌اش مورد نظر نیست، تمدن ساحت مادی هم دارد. یا مثلا در سالی که سال امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بود، بیان فرمودند که این نامگذاری یعنی نزدیک شدن ملت و نظام جمهوری اسلامی به عدالت اجتماعی. واضح است که بحث عدالت اجتماعی فقط مرتبط به بحث‌های فرهنگی و سیاسی نیست و اتفاقا اقتصاد نقش پررنگ‌تری در عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه‌ی ثروت دارد. در پی مروری داریم بر عناوین و موضوعات شعارهای سال، در سال‌های گذشته:

- سال ۱۳۶۹: تأکید بر «تحول درونی و اصلاح امور»؛
- سال ۱۳۷۰: تأکید بر «صبح روشنی»؛
- سال ۱۳۷۱: تأکید بر «تحکیم معنویت»؛
- سال ۱۳۷۲: تأکید بر «عدالت اجتماعی»؛
- سال ۱۳۷۳: تأکید بر «صرفه‌جویی»؛
- سال ۱۳۷۴: تأکید بر «وجدان کاری، انضباط اجتماعی، انضباط اقتصادی»؛
- سال ۱۳۷۵: تأکید بر «ضرورت پرهیز از اسراف و حفظ ثروت و منابع عمومی کشور»؛

■ سال ۱۳۷۶: تأکید بر «توجه به معنویات و فضایل اخلاقی»؛

■ سال ۱۳۷۷: تأکید بر «صرفه جویی و پرهیز از اسراف، قناعت و پایداری بر مواضع اسلامی و انقلابی»؛

■ سال ۱۳۷۸: عنوان این سال «امام خمینی(ره)» نامگذاری شد، به دلیل مصادف بودن صدمین سال تولد حضرت امام خمینی (ره) عنوان سال به نام آن حضرت نامگذاری شد.

■ سال ۱۳۷۹: عنوان سال، سال «امام علی(ع)» نامیده شد، چون دو عید غدیر طی سال شمسی وجود داشت، از این رو نام امام علی(ع) برای سال ۱۳۷۹ انتخاب شد.

■ سال ۱۳۸۰: «اقتدار ملی و اشتغال آفرینی» عنوان این سال بود، با همزمانی تحولات منطقه ای و گسترش ناامنی پیرامون کشور، عنوان اقتدار ملی و اشتغال آفرینی انتخاب شد.

■ سال ۱۳۸۱: شعار این سال «عزت و افتخار حسینی» نام گرفت، چراکه همانند سال ۷۹ ایام عزاداری محرم دوبار در سال شمسی

قرار گرفته بود و فروردین آن سال کشور رنگ و بوی حسینی به خود گرفته بود.

■ سال ۱۳۸۲: «نهضت خدمتگزاری به مردم»

رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۲ را سال «نهضت خدمتگزاری به مردم» عنوان کردند تا در آن مسئولان سه قوه مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی را تا ریشه کن کردن آن در دستگاه‌های دولتی تداوم بخشند و به این مبارزه بپیوندند و نهضتی را برای خدمت رسانی به مردم آغاز کنند. ایشان رقابت صحیح، مشروع و مقبول را «رقابت در خدمت رسانی» دانستند و خطاب به مسئولان فرمودند: «توصیه می‌کنم که حساب‌ها را طوری تنظیم کنند و برنامه‌ها را طوری تدوین کنند که جوانان کشور ما بتوانند مزه شیرین مبارزه با فساد و تلاش برای خدمت رسانی را بچشند و حقیقتاً احساس کنند».

■ سال ۱۳۸۳: «پاسخگویی سه قوه به ملت ایران»

مقام معظم رهبری در آغاز این سال پاسخگویی سه قوا نسبت به عملکرد خود در

مدت زمان تصدی گری امور را لازم و مناسب دانستند و فرمودند: «مسئولان دولتی و قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی به مردم بگویند که برای خدمت به عموم ملت ایران، برای تولید علم، برای استقرار عدالت و رفع فقر و فساد و تبعیض در جامعه که اصلاح واقعی در جامعه اینهاست برای نهضت عدالت خواهی و برای نهضت مبارزه با فساد، چه اقدامات عمده‌ای را انجام داده‌اند.» به تعبیر رهبر معظم انقلاب در این پاسخگویی، مسئولان به کمبودها و نواقص کار خود پی خواهند برد و مردم هم با آشنایی بیشتر با عملکرد دستگاه‌ها، منتظر شروع دوره‌ها، کارها و مسئولیت‌های جدید خواهند بود.

■ سال ۱۳۸۴: «همبستگی ملی و مشارکت

عمومی»

سال ۱۳۸۴ مصادف بود با تهدیدهای ایالات متحده و کشمکش اروپا و جمهوری اسلامی ایران بر سر فعالیت‌های هسته‌ای، این موضوع موجب شد تا مقام معظم رهبری مطبوعات،

احزاب و سیاست مداران داخلی را به نوعی همبستگی و دوری از مناقشات داخلی دعوت نماید و با توجه به انتخابات ریاست جمهوری این سال را سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی نام نهادند. در این سال همچنین شروع سند چشم انداز ۲۰ ساله آغاز مهمی در کشور بود. مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خویش فرمودند: «سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور همچون حلقه‌های زنجیره ای است که در دوره‌های کوتاه مدت چهارساله تشکیل شده اما به لحاظ اهمیت فراوان، تعیین کننده سرنوشت کشور در بیست سال آینده است؛ از این رو در سال‌های نخست اجرای این سند زیرساخت‌های این چشم‌انداز مهم و سازه‌ها و ساز و کارهای آن، در استحکام بنای پیشرفت کشور از اهمیت به سزایی برخوردار است».

■ سال ۱۳۸۵: «پیامبر اعظم (ص)»

تخریب حرم عسکرین و بی حرمتی به آن، اهانت به حرمت پیامبر (ص) و به علت آن که دو بار تاریخ رحلت حضرت محمد (ص) به

تاریخ قمری در تقویم این سال بود، موجب شد این سال از طرف مقام معظم رهبری به سال «پیامبر اعظم(ص)» نامگذاری شود. به تعبیر ایشان در این سال یاد و نام پیامبر اکرم(ص) از همیشه زنده تر شد، زیرا بدون شك در چنین شرایطی «امت اسلام و ملت بیش از همیشه به پیغمبر اعظم خود به هدایت او، به بشارت و انذار او، به پیام و معنویت او و به رحمتی که او به انسان‌ها درس داد و تعلیم داد نیازمند است».

■ سال ۱۳۸۶: «اتحاد ملی، انسجام اسلامی»

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام نوروزی خود فرمودند: «با نگاه به حوادث و مسائل جهانی به روشنی درمی‌یابیم که دشمنان ملت ایران درصدد آنند که دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند یکی، ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت؛ از میان بردن یکپارچگی ملت ایران؛ و دومی، ایجاد مشکلات اقتصادی و تلاش برای توقف ملت ایران در زمینه‌های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود».

با توجه به این دو اولویت برای این سال نام اتحاد ملی، انسجام اسلامی برگزیده شد. این سال از طرف رهبر معظم انقلاب، سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامگذاری شد تا ملت ایران که به برکت اسلام و نظام جمهوری اسلامی به خودآگاهی و اعتماد به نفس دست یابند و با امید و تلاش همه جانبه ملی فاصله‌های طولانی را با سرعت سپری کنند. به تعبیر ایشان در این سال دشمنان می‌کوشند تا با ایجاد مشکلات اقتصادی، ملت ایران را در زمینه‌های سازندگی و رفاه عمومی متوقف سازند و این مهم را با ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت و از میان بردن یکپارچگی و وحدت به بهانه قومیت، مذهب و گرایش‌های صنفی بدست بیاورند.

■ سال ۱۳۸۷: «نوآوری و شکوفایی»

مقام معظم رهبری در ادامه اندیشه‌های مدیرانه خود ۱۳۸۷ را که با بحران اقتصادی کشورهای جهان همراه بود، سال «نوآوری و شکوفایی» نام نهادند و تأکید کردند که باید

کارهای نو و ابتکاری در سایه مدیریت صحیح و تدبیر درست در فعالیت کشور وارد شود. ایشان در این نامگذاری به پیشرفت دانشمندان هسته ای با وجود تحریم‌ها، راه اندازی آزمایشی نیروگاه بوشهر، پرتاب ماهواره امید و گذر از طوفان خانه برانداز رکود اقتصادی و بحران اقتصادی در جهان استناد کردند.

■ سال ۱۳۸۸: «حرکت مردم و مسوولان

به سوی اصلاح الگوی مصرف»

این نامگذاری به دلیل اهمیت حیاتی و اساسی مصرف مدبرانه و عاقلانه منابع کشور بود. رهبر معظم انقلاب با انتقاد از اسراف‌های شخصی و عمومی و مصرف بی رویه منابع مختلف کشور بر تأکید اسلام و عقلای عالم نسبت به مدیریت عاقلانه و مدبرانه مصرف اشاره و عنوان فرمودند، یکی از مهمترین زمینه‌هایی که نیازمند تغییر و تحول جدی است، اسراف‌های شخصی و عمومی محسوب می شود.

■ سال ۱۳۸۹: «همت مضاعف و کار

مضاعف»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، این سال را به نام «همت مضاعف و کار مضاعف» نامگذاری کردند تا در این سال مسئولان و مردم با در نظر گرفتن اقتضائات و ظرفیت‌های کشور در بخش‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، عمرانی و اجتماعی با همت بیشتر راه‌های نرفته را بپیمایند. ایشان در پیام نوروزی این سال، دشمنان را «دشمن علم و ایمان ملت» دانستند که لازمه دفع آن تقویت علم و ایمان به صورت مضاعف است.

■ سال ۱۳۹۰: «جهاد اقتصادی»

در این برهه کشور با تحریم‌های جدی از طرف غرب روبرو شد و رهبر معظم انقلاب نخستین سال از دهه ۹۰ را به عنوان سال «جهاد اقتصادی» نامگذاری کردند. به تعبیر ایشان تحریم‌هایی که از طرف دشمنان علیه ملت ایران زمینه سازی و اعمال شد، مقصودی جز ضربه زدن بر پیشرفت کشور نداشت تا از

این راه حرکت شتابنده ایران در مسیر پیشرفت را با کندی مواجه کنند و مانع آن شوند. بر خلاف تصور غرب و مجامع بین المللی، آنها هرگز نتوانستند ایران را از این مسیر بازدارند و این نامگذاری بسیار مدبرانه بود. مقام معظم رهبری در این سال از مسئولان کشور اعم از دولت، مجلس، ارگانها و نهادهای مرتبط با مسایل اقتصادی و نیز ملت ایران خواستند تا در عرصه اقتصادی حرکتی جهادگونه پیش بگیرند تا با اقدامی جهشی و مجاهدانه به معنای حقیقی کلمه پیشرفت و استقرار عدالت را در کشور نهادینه کنند.

■ سال ۱۳۹۱: «تولید ملی، حمایت از کار و

سرمایه‌ی ایرانی»

تأکید رهبر معظم انقلاب بر تداوم جهاد اقتصادی و انتخاب این عنوان گویای توجه ایشان به حوزه اقتصاد در دهه پیشرفت و عدالت بوده است. نام گذاری این سال و تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری مبنی بر توجه دقیق دولت مردان به حوزه اقتصاد

نشان داد که لازمه تحقق آن نگاهی جهاد گونه و ایثارگرانه به شمار می رود. رهبر معظم انقلاب در بیاناتی در این زمینه فرمودند: «ما باید بتوانیم از کارِ کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه سرمایه دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه ی تولید و اتقان در کار تولید است و سهم مردم که به نظر من از همه اینها مهمتر است مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به جد پرهیز کنیم؛ در همه زمینه ها: زمینه های مصارف روزمره و زمینه های عمده تر و مهمتر.»

■ سال ۱۳۹۲: «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی»

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خود چشم انداز ۱۳۹۲ را امیدوارانه و همراه با پیشرفت، تحرك، ورزیدگی و حضور جهادی ملت ایران در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی دانستند. این امر نشان دهنده اهمیت اقتصاد در کنار سیاست در تفکر رهبر معظم انقلاب بود و درجه اهمیت اقتصاد را در برهه حساس یاد آور می شد. رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خود فرمودند: «البته آن چه را که ما در سال ۹۲ در پیش رو داریم، باز عمدتاً در دو عرصه مهم اقتصاد و سیاست است. در عرصه اقتصاد، به تولید ملی باید توجه شود؛ هم‌چنان که در شعار سال گذشته بود. البته کارهایی هم انجام گرفت؛ منتها ترویج تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، يك مسأله بلندمدت است؛ در يك سال به سرانجام نمی‌رسد. در زمینه امور سیاسی، کار بزرگ سال ۹۲، انتخابات ریاست جمهوری است؛ که در واقع مقدرات اجرایی و سیاسی، و به يك معنا

مقدرات عمومی کشور را برای چهار سال آینده برنامه‌ریزی می‌کند.»

■ سال ۱۳۹۳: «اقتصاد و فرهنگ، با عزم

ملی و مدیریت جهادی»

آنچه در سال ۱۳۹۳ به نظر مهم‌تر از همه به نظر می‌رسید، مسائل اقتصاد و فرهنگ بود. رهبر معظم انقلاب حضور مردم و مسئولان را در عرصه اقتصاد و فرهنگ مهم دانستند و تأکید داشتند که بدون حضور مردم کار پیش نخواهد رفت و مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد. از این رو شعار آن سال را با نام «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نامگذاری کردند. ایشان در ترسیم افق سال نو، دو مسأله اقتصاد و فرهنگ را مهم‌تر از مسایل دیگر برشمردند و تأکید فرمودند: برای تحقق شعار سال ۹۳ یعنی «اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی» تلاش مشترك مسئولان و آحاد مردم ضروری است.

■ سال ۱۳۹۴: «دولت و ملت، همدلی و

هم‌زبانی»

رهبر معظم انقلاب تأکید داشتند تا مردم و دولتمردان در کنار یکدیگر در بطن مسایل جاری کشور قرار بگیرند و توسعه و شکوفایی کشور را رقم بزنند. مقام معظم رهبری در نگاه اجمالی به مسائل سال ۱۳۹۴، همکاری‌های گسترده دولت و ملت را ضروری برشمردند و تأکید کردند: برای تحقق شعار سال ۹۴ یعنی «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی»، باید هر دو کفه این شعار یعنی ملت عزیز، بزرگ، شجاع، بصیر، دانا و با همت ایران و همچنین دولت خدمتگزار، به یکدیگر اعتماد، و صمیمانه با هم همکاری کنند.

■ سال ۱۳۹۵: «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»

مقام معظم رهبری همواره توجه به مسایل اقتصادی را بسیار مهم می‌دانند و همین مسأله سبب شد تا ایشان این سال را با نام «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» نامگذاری کنند. این موضوع نشان از اهمیت اقتصاد

حکایت دارد، مسأله ای مهم که از نگاه رهبری معظم انقلاب دور نماند. ایشان در سخنان خود تأکید فرمودند: «بنابراین آنچه که من به عنوان شعار امسال انتخاب می کنم، عبارت است از «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل». این، راه و جاده مستقیم و روشنی است به سمت آن چیزی که به آن احتیاج داریم. البته توقع نداریم که این اقدام و عمل، در ظرف يك سال همه مشکلات را حل کند؛ اما مطمئنیم که اگر چنانچه اقدام و عمل به صورت برنامه ریزی شده و درست انجام بگیرد، ما در پایان این سال آثار و نشانه‌های آن را مشاهده خواهیم کرد.»

■ سال ۱۳۹۶: «اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال»

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) در این سال تأکید فرمودند: «تمرکز و برنامه ریزی بر روی این نقاط کلیدی مطالبه رهبری و مردم از مسئولان و موجب پدید آمدن موفقیت‌های چشمگیر و محسوس است و مسئولان باید نتایج را در پایان سال به مردم گزارش کنند.» اقتصاد مقاومتی؛ تولید - اشتغال

موضوعی بود که همگان روی آن تمرکز داشتند و با حمایت از کالاهای ملی، اقتصاد کشور را به پویایی رسانند.

■ سال ۱۳۹۷: «حمایت از کالای ایرانی»

رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خود تأکید کردند: «آنچه مهم است، این است که همه باید سخت کار کنند. بنده در شعارهای سالها معمولاً مخاطب را مسئولین قرار می‌دادم؛ امسال مخاطب، همه آحاد ملت و از جمله مسئولین خواهند بود. محور هم عبارت است از تولید ملی؛ یعنی اگر چنانچه تولید ملی را با شرحی که ان شاء الله در سخنرانی عرض خواهم کرد همه تعقیب کنند و دنبال‌گیری کنند، بسیاری از مشکلات اقتصادی، مشکلات معیشتی مردم هم مسأله اشتغال، هم مسأله سرمایه‌گذاری و بقیه چیزها حل خواهد شد. آسیب‌های اجتماعی به میزان زیادی کاهش پیدا خواهد کرد؛ یعنی محور، تولید ملی است. بنابراین اگر تولید ملی شتاب بگیرد، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.»

■ سال ۱۳۹۸: «رونق تولید»

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب، با نامگذاری سال ۱۳۹۸ به عنوان سال «رونق تولید» تأکید کردند که راه حل مشکل معیشت مردم رونق تولید است. ایشان در پیام نوروزی فرمودند: «امسال مسئله‌ی «تولید» مطرح است. می‌خواهم مسئله‌ی تولید را به عنوان محور فعالیت قرار بدهم. مقصود خود از تولید را ان شاء الله در سخنرانی روز اول سال توضیح خواهم داد که منظور از تولید چیست. تولید اگر چنانچه به راه بیفتد، هم می‌تواند مشکلات معیشتی را حل کند، هم می‌تواند استغناء کشور از بیگانگان و دشمنان را تأمین کند، هم می‌تواند مشکل اشتغال را برطرف کند، هم حتی می‌تواند مشکل ارزش پول ملی را تا حدود زیادی برطرف کند. لذاست که مسئله‌ی تولید به نظر من مسئله‌ی محوری امسال است؛ لذا من شعار را امسال این قرار دادم: «رونق تولید». باید همه تلاش کنند تولید در کشور رونق پیدا کند. از اول سال تا آخر سال ان شاء الله این معنا به صورت چشمگیری

در کشور محسوس باشد. اگر این [طور] شد، امیدواریم که ان شاء الله حلّ مشکل اقتصادی راه بیفتد.»

■ سال ۱۳۹۹: «جهش تولید»

رهبر معظم انقلاب در تشریح دلایل نامگذاری این سال، نیاز قطعی کشور به تولید، سال ۹۹ را سال «جهش تولید» نامگذاری کردند و خطاب به دست‌اندرکاران تأکید کردند: جوری عمل کنید که با جهش تولید، تغییری محسوس در زندگی مردم به وجود آید.

با دقت نظر در سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، طی سالیان گذشته، متوجه اهمیت موضوع اقتصاد از منظر معظم له می‌شویم. این نام‌گذاری‌ها نشان می‌دهد که تلاش برای برخورداری از یک اقتصاد پویا و قوی که انقلاب اسلامی به پشتوانه آن بتواند در برابر توطئه‌های دشمنان مقاومت نماید، سال‌ها و دهه‌ها پیش از تحریم‌های ظالمانه دشمنان انقلاب اسلامی، در منظومه‌ی ذهنی رهبر معظم انقلاب وجود داشته و در نوبت‌های

مختلف و به خصوص در نامگذاری سال‌های مختلف در نوروز هر سال تبلور یافته است. معظم له، سال ۷۵ یعنی بیست و یک سال قبل مبارزه با اسراف و زیاده روی و رعایت منابع مالی کشور را مورد تأکید قرار می دهند. یا سال ۷۴ وقتی ایشان می فرمایند: انضباط اقتصادی و مالی، هنوز تحریم اقتصادی کشور به صورت فعلی متصور نبود، حتی در سال ۷۱ که عنوان وحدت و یکپارچگی به عنوان شعار سال انتخاب می شود نگاه رهبر معظم انقلاب به برنامه ریزی دولت برای حضور مردم در سازندگی و سازماندهی همگانی است به گونه ای که کار را یک ارزش بالا و جهاد بدانند، یا در سال ۷۰ ایشان می فرمایند که انشالله باید مجاهدت عمومی برای سازندگی کشور رشد و سرعت پیدا کند. این نشان می دهد که چشم انداز یک اقتصاد قوی و پویا برای جامعه اسلامی در نگاه فرمانده معظم کل قوا از دیرباز وجود داشته است.

معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه در نوروز ۱۴۰۰ مانند، سال‌های

گذشته که اقدام به چاپ کتاب پیام نوروزی و همچنین تبیین بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی نمود، در نیمه اول فروردین ۱۴۰۰ اقدام به تدوین، چاپ و توزیع کتابچه پیام و بیانات نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) نموده است.

امید آنکه با تأسی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)، در راستای عمل به توصیه‌ها و رفع دغدغه‌های معظم له به خصوص در زمینه توسعه اقتصادی، حمایت از تولیدات داخلی و تلاش برای حضور حداکثری مردم در انتخابات آینده گام برداریم.

معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه

پیام نوروزی

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)

به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام
علی سیدنا محمّد و آله الطّاهرین.
یا مقلّب القلوب و الابصار، یا مدبّر اللیل و
النّهار، یا محوّل الحول و الاحوال، حوّل حالنا
الی احسن الحال.

عید نوروز و حلول سال نو را تبریک
عرض می‌کنم به همه‌ی هم‌میهنان عزیزمان،
بخصوص به خانواده‌های مکرم شهیدان و
خانواده‌های جانبازان و خود جانبازان و همه‌ی
ایثارگران؛ و همچنین تبریک عرض می‌کنم این

عید را به همه‌ی ملت‌هایی که عید نوروز را گرامی می‌دارند.

امسال عید ما مقارن است با اعیاد مبارک شعبانیّه که امیدواریم این [تقارن]، برکات فراوانی را ان‌شاءالله از لحاظ مادی و معنوی برای سال نو ما داشته باشد. و [سال] ۱۴۰۰ متبرک است به اینکه دو نیمه‌ی شعبان در آن هست و مردم دو بار در این سال ولادت ولی‌الله‌الاعظم (ارواحنا فداه) را جشن خواهند گرفت.

سال ۹۹ با حوادث گوناگون و بعضاً بی‌سابقه‌ای پایان یافت. یکی از آن حوادث که حقاً بی‌سابقه و ناآشنا بود برای ملت ما، پدیده‌ی کرونا بود که تقریباً زندگی همه‌ی ملت را به نحوی تحت تأثیر قرار داد؛ هم کسب و کارها را، هم محیط‌های درسی را، هم اجتماعات دینی را، هم مسئله‌ی سفرها را، ورزش را و دیگر مسائل گوناگون کشور را تحت تأثیر قرار داد و ضربه‌ی سختی هم به اشتغال در کشور زد. البته از همه‌ی این‌ها تلخ‌تر جان باختن ده‌ها هزار از مردم عزیز ما بود که این

به معنای غصه‌دار شدن و داغدار شدن ده‌ها هزار خانواده است. من همین جا از فرصت استفاده می‌کنم، به همه‌ی آن خانواده‌های عزیز تسلیت عرض می‌کنم و همدردی خودم را با آنها ابراز می‌کنم. امیدواریم که خداوند به آنها صبر بدهد و اجر بدهد و جان‌باختگان را مورد رحمت و مغفرت خودش قرار بدهد.

سال ۹۹ همچنین از جهتی سال بُروز توانایی‌های ملت ایران بود؛ هم در مقابله‌ی با همین آزمون بزرگ یعنی کرونا که انصافاً ملت عزیز ما از مجموعه‌های درمانی و بهداشتی گرفته، تا محققین و دانشمندان، تا آحاد مردم، تا گروه‌های جهادی و خدمتگزار، توانایی بزرگی را از خودشان نشان دادند برای مدیریت این حادثه‌ی تلخ، آن هم با فشار حداکثری دشمن در زمان تحریم؛ با وجود تحریم، بسته بودن راه‌های گوناگون برای استفاده‌ی از امکانات خارج از کشور، ملت ما، دانشمندان ما، پزشکان ما، پرستاران ما، بهیاران ما، عوامل آزمایشگاهی ما و عوامل رادیولوژیستی ما - این‌هایی که دست‌اندرکار درمان مردم بودند - انصافاً

توانستند تجربه‌ی بزرگی را به یادگار بگذارند و توانایی بزرگی از خودشان نشان بدهند؛ همچنین ملت ایران توانایی خودش را نشان داد در مقابله‌ی با فشار حداکثری دشمن. دشمنان ما و در رأس آنها آمریکا در صدد بودند که ملت ایران را با این فشار حداکثری به زانو دریاورند. امروز خود آنها و رفقای اروپایی‌شان صریحاً می‌گویند که فشار حداکثری شکست خورده. ما می‌دانستیم شکست می‌خورد و عازم بودیم که دشمن را شکست بدهیم در این زمینه. می‌دانستیم ملت ایران می‌ایستد، ولی امروز خود آنها دارند اعتراف می‌کنند به اینکه این فشار حداکثری شکست خورده است. خب، شعار سال ۹۹ شعار «جهش تولید» بود. (بیانات به مناسبت حلول سال نو ۱۳۹۹) من اگر بخواهم بر اساس گزارش‌های متعدد مردمی و دولتی و دستگاه‌های مختلف و جهات مختلف - که از همه جهت به ما گزارش می‌رسد - یک ارزیابی‌ای بکنم، باید بگویم این شعار تا حدی، تا حدی، تا حد قابل قبولی تحقق پیدا کرد، یعنی جهش تولید در بخش‌هایی از

کشور و بخش‌هایی از مسائل گوناگون کشور تحقق پیدا کرد، اگر چه در حدّ انتظار نه؛ یعنی در آن جاهایی هم که این شعار تحقق پیدا کرد که غالباً در کارهای زیربنائی و سازندگی و امثال اینها بود، نتیجه‌ی آن در اقتصاد عمومی کشور و در معیشت مردم مشهود نشد، یعنی این حرکت احساس نشد، در حالی که انتظار ما این بود که جهش تولید بتواند گشایشی در وضع مردم به وجود بیاورد. البته شعار جهش تولید به معنای واقعی کلمه یک شعار به تمام معنا انقلابی است، شعار مهمی است. جهش تولید اگر بدرستی در کشور اتفاق بیفتد - که ان‌شاءالله اتفاق خواهد افتاد - هم تأثیرات عمیق اقتصادی در کشور میگذارد - در مورد ارزش پول و بقیه‌ی مسائل عمده‌ی اقتصادی تأثیر می‌گذارد - و هم علاوه بر آنها موجب اعتماد به نفس ملی می‌شود، موجب رضایتمندی عمومی مردم می‌شود، تضمین‌کننده‌ی امنیت ملی می‌شود؛ یعنی اگر تولید جهش‌یافته در کشور ان‌شاءالله اتفاق بیفتد که امیدواریم اتفاق بیفتد، این عوارض

مهم و این منافع بزرگ بر آن متحقق می‌شود. خب حالا چرا در سال ۹۹ به طور کامل این اتفاق نیفتاد؟ به خاطر وجود موانع از طرفی، و حمایت نشدن تولید در همه‌ی بخش‌ها از طرف دیگر. یعنی تولید، هم احتیاج دارد به حمایت‌های لازم قانونی و حکومتی و هم احتیاج دارد به اینکه موانع سر راه تولید برداشته بشود. حالا مثلاً از باب مثال فرض کنید وقتی که یک کارگاه نیمه‌کاره‌ای، یعنی کارگاهی که مثلاً با سی درصد، چهل درصد ظرفیت کار می‌کند یا بکلی از کار افتاده است، با همت چند جوان این کارگاه به راه می‌افتد، با تشویق‌ها و مانند اینها این کارگاه مشغول حرکت می‌شود و بعد از آنکه به تولید رسید، ناگهان انسان مشاهده می‌کند که رقیب این محصول به نحوی از خارج وارد کشور می‌شود؛ یا به وسیله‌ی دست‌های خیانتکار قاچاقچی یا متأسفانه از طرق قانونی و به خاطر ضعف رعایت‌های قانونی. این تولید طبعاً تشویق نمی‌شود؛ این مانع بر سر تولید است، یعنی آن کاری که انجام گرفته، در واقع شکست می‌خورد. یا همچنین [به خاطر]

نبود مشوقها، مثل نبود مشوق سرمایه‌گذاری. سرمایه‌گذاری در امر تولید احتیاج دارد به مشوق. بایستی کسانی که می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند تشویق بشوند به این کار، و اوضاع کسب و کار در کشور به نحوی باشد که برای اینها تشویق‌کننده بشود که وارد این کار بشوند، یا هزینه‌ی تولید برایشان افزایش پیدا نکند که متأسفانه اینها اتفاق نیفتاده؛ یعنی ملاحظات لازم انجام نگرفته؛ نه آنچنان مشوقی وجود داشته و نه در مورد هزینه‌های تولید فکری شده. در یکی از سال‌ها -حالا شاید سال ۹۹ نبود، شاید سال ۹۸- هزینه‌ی تولیدکننده از هزینه‌ی مصرف‌کننده بالاتر بوده. خب اینها یک چیزهایی است که مانع پیشرفت تولید است.

بنابراین ما در سال ۹۹ این حرکت انقلابی را به نحوی در کشور آغاز کردیم و ملت ایران استقبال کرده است از جهش تولید به اندازه‌ی مشخص و محدودی؛ این باید ادامه پیدا کند؛ سال ۱۴۰۰ که از لحظه‌ی این سال تحویل شروع می‌شود، در واقع به یک حساب ورود در قرن

جدید است و در واقع یک قرن جدیدی دارد آغاز می‌شود، بنابراین به مسائل کشور بایستی با نگاه بلندمدت نگریم و آنها را با نگاه بلندمدت محاسبه کرد.

این سال - سال ۱۴۰۰ - سال حساس و مهمی است: هم به خاطر انتخاباتی که در اول این سال هست که ما در خرداد ۱۴۰۰ انتخابات مهمی در پیش داریم که این انتخابات میتواند تأثیر مهمی در اوضاع کشور و حوادث کشور و آینده‌ی کشور بگذارد؛ مدیریت‌های جدیدی بر سر کار خواهند آمد، احتمالاً تازه نفس، با انگیزه‌های گوناگون قوی ان شاء الله وارد مدیریت اجرائی کشور بشوند. بنابراین انتخابات، این سال را بسیار مهم و حساس میکند. این از یک جهت - که البته من درباره‌ی انتخابات بعداً در سخنرانی مطالبی را عرض خواهم کرد و اینجا به همین اندازه اکتفا می‌کنم - و هم به این جهت که تولید در سال ۹۹ یک تکانی خورد و جهش تولید یک حرکتی به وجود آورد.

امسال - سال ۱۴۰۰ - یک زمینه‌ی خوبی

برای شکوفایی جهش تولید وجود دارد که از این بایستی حداکثر استفاده را کرد. باید این حرکت با جدّیت دنبال بشود و به طور عمده حمایت‌های قانونی و دولتی و حکومتی از همه‌سو نسبت به جهش تولید انجام بگیرد. چه این دولت تا وقتی که بر سر کار است، چه دولت آینده از اوّل استقرار بایستی همّت خودش را بر این قرار بدهد که موانع را برطرف کند و حمایت‌های لازم را انجام بدهد و ان‌شاءالله جهش تولید به معنای واقعی کلمه در امسال انجام بگیرد. لذا من شعار امسال را این جور تنظیم کردم: «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها»؛ یعنی شعار این است: تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها. ما بایستی تولید را محور کار قرار بدهیم و حمایت‌های لازم را انجام بدهیم و مانع‌ها را از سر راه تولید برداریم. امیدواریم ان‌شاءالله به لطف الهی این شعار تحقّق لازم را پیدا کند. ان‌شاءالله بعداً در سخنرانی در همین زمینه و همچنین در زمینه‌ی انتخابات عرایضی را عرض خواهم کرد. امیدواریم روح مطهر امام بزرگوارمان و

ارواح طیبه‌ی شهدای عظیم‌الشَّان‌مان از ما راضی و خشنود باشند و سال، سال مبارکی برای ملت ایران باشد و حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) ملت ایران را و مسئولین کشور را و آحاد مردم را دعا کنند و تفضُّلات خودشان را به این ملت ارزانی بدارند و لطف خودشان را و توجَّه خودشان را ان‌شاءالله نسبت به این ملت همچنان که در گذشته وجود داشته ادامه بدهند.

والسَّلام علیه و علیکم و رحمة‌الله و برکاته

سخنرانی نوروزی

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)

خطاب به ملت ایران

در اولین روز سال ۱۴۰۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی
سیدنا محمّد و آله الطّاهرین و لعنة الله علی
اعدائهم اجمعین.

مجدّداً تبریک عرض می‌کنم به همه‌ی ملّت
عزیز ایران و از خداوند متعال برای همه‌ی
آنها سال پُربرکت و نیک‌فرجامی را مسئلت
می‌کنم. وارد سال ۱۴۰۰ شده‌ایم؛ با نگاه عرفی
وقتی نگاه می‌کنیم، این [سال] ورود در قرن
جدید محسوب می‌شود؛ ولو به لحاظ دقّت

محاسباتی این جور نباشد اما عرفاً می‌گویند وارد قرن جدید شده‌ایم. اگر بخواهیم یک مقایسه‌ی کوچک و پُرمعنا با هنگام ورود کشور در قرن قبلی - یعنی ۱۳۰۰ - بکنیم، ۱۳۰۰ (منظور معظّم‌له کودتای ۱۲۹۹ است) آغاز دیکتاتوری وابسته‌ی رضاخان بود که در واقع کودتای انگلیسی به وسیله و به دست رضاخان بود و در حقیقت حکمرانیِ وابسته و دیکتاتوری و انگلیسی در کشور بود؛ این ورود در ۱۳۰۰ بود. امسال ورود در ۱۴۰۰، سال انتخابات است، یعنی حکمرانی مبتنی بر استقلال، بر آراء مردم، بر اتکاء به نفس و اعتماد به نفس ملی؛ این ورود امسال ما در این قرن، [واجد] یک تفاوت به این مهمی با ورود در سال ۱۳۰۰ و ورود در قرن چهاردهم بوده است. امیدواریم ان‌شاءالله خداوند همه‌ی امور ما را با همین نسبت به سمت جلو و به سمت پیشرفت هدایت بفرماید.

چند مطلب را آماده کرده‌ام که عرض بکنم: یکی راجع به همین شعاری است که امسال مطرح شد، («تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها»؛ بیانات به مناسبت حلول سال نو (۱۳۹۹/۱۲/۳۰) که در

واقع این هم، شعار تولید است منتها با تکیه‌ی بر پشتیبانی‌هایی که باید انجام بگیرد، حمایت‌هایی که باید بشود و مانع‌هایی که بایستی برطرف بشود؛ بعد مسئله‌ی انتخابات را هم مطرح می‌کنم و چند نکته در باب انتخابات عرض می‌کنم؛ یک مطلب کوتاهی هم در باب سیاست خارجی و مسائل این روزها و مسئله‌ی برجام به عرض ملت عزیزمان خواهم رساند.

همان طور که در پیام نوروزی عرض کردیم، آنچه در سال ۹۹ هدف بود و جهش تولید نام‌گذاری شده بود، (۳) به صورت کامل صورت نگرفت ولیکن از حق و انصاف نباید گذشت، در بخش‌های مهمی تولید پیشرفت پیدا کرد. در بعضی از موارد می‌توان جهش هم به آن اطلاق کرد؛ در بعضی از موارد هم اگر جهش تولید نیست، پیشرفت تولید قطعاً هست. یک فهرست نسبتاً طولانی‌ای از کالاهایی که در آنها افزایش تولید داشته‌ایم در اختیار من قرار گرفته - که البته من آن فهرست را بتمامه نمی‌خوانم - عمدتاً لوازم خانگی رشد زیادی کرد؛ لاستیک خودرو، آلومینیوم، پتروشیمی، فولاد و

امثال اینها، کالاهایی است که در سال ۹۹ واقعاً پیشرفت کرد و رشد کرد؛ همین بایستی ادامه پیدا کند. این حرکت تولیدی در کشور بایستی ادامه پیدا کند و موانع تولید از سر راه تولید برداشته بشود.

حالا در مورد موانع تولید، من دو سه مورد را به عنوان مثال -شاید قبلاً هم در پیام گفتم- حالا هم عرض می‌کنم؛ مثلاً فرض کنید واردات بی‌رویه و بی‌مورد، یا قاچاق کالا، یا مقررات زائد و غیر لازم و دست‌وپاگیر، یا کمک نکردن بانک‌ها و نظام بانکی به تولید که اینها مواردی است؛ لکن موانع تولید فقط اینها نیست؛ گزارشی به من دادند که در آن گزارش موانع تولید را بتفصیل بیان کرده‌اند و به نظر من خوب است که چنین گزارشی در صداوسیما به وسیله‌ی کسانی که با این مسائل آگاه هستند به مردم داده بشود تا بدانند که برداشتن بعضی از این موانع تولید بر عهده‌ی خود مردم است، و بعضی بر عهده‌ی دستگاه‌های دولتی یا بکلی دستگاه‌های حکومتی است؛ چه قوه‌ی مجریه و چه سایر قوا. به هر حال موانع تولید زیاد

است که اینها باید از سر راه برداشته بشود. و یکی هم حمایت‌ها است؛ مثل مشوق‌های قانونی یا کمک کردن به وارداتی که تولید متوقّف به آنها است؛ [مثلاً] بعضی از موارد تولید ما، احتیاج به موادّ اوّلیه دارد که باید از خارج بیاید یا مثلاً برخی از ماشین‌آلات و امثال اینها که بایستی به اینها کمک بشود و تسهیل بشود. یک کمک عمده برای تولید این است که قدرت خرید مردم بالا برود، وّالا اگر تولید شد و تقاضای مردمی وجود نداشت، تولید شکست می‌خورد؛ [یعنی] قدرت خرید مردم که این [همان] مسئله‌ی ارزش پول ملی است و یک نکته‌ی بسیار مهمی است که در جای خود بایستی اهل فن دربارهی آن بحث کنند. یا مثلاً کمک به قطع دست واسطه‌ها؛ واسطه‌ها قیمت‌ها را بالا می‌برند، تولیدکننده هم صدمه می‌بیند، مصرف‌کننده هم صدمه می‌بیند؛ هر دو صدمه می‌بینند؛ اگر دست واسطه‌های بی‌مورد قطع بشود، کمک زیادی به تولید خواهد شد و امثال اینها که قطعاً اگر این کار در امسال که سال ۱۴۰۰ است با

جدّیت دنبال بشود، یقیناً تحوّل در امر اقتصاد به وجود خواهد آمد.

و البته شرایط دیگری هم هست که بایستی رعایت بشود؛ مثل مبارزه‌ی با فساد. مبارزه‌ی با فساد خیلی مسئله‌ی مهمّی است که بایستی کانال‌های فساد و مجاری فساد بسته بشود که این در واقع به معنای اصلاح کردن نظام بانکی و اصلاح کردن گمرک و امثال اینها است که بایستی راه فساد بکلی بسته بشود.

آنچه من در اینجا لازم می‌دانم به ملت عزیزمان عرض بکنم، این است که خب به خاطر نابسامانی‌هایی که در وضع اقتصاد و معیشت مردم وجود دارد، بعضی‌ها فرصت پیدا می‌کنند برای منفی‌بافی و آیه‌ی یأس خواندن که «آقا! هیچ فایده ندارد، کاری نمی‌شود کرد»؛ بعضی این جورند؛ چه در فضای مجازی، چه در برخی از مطبوعات ما و متأسّفانه عمدتاً در تبلیغات خارجی؛ چون مشکلاتی بالفعل در پیش روی مردم هست، این را وسیله قرار می‌دهند برای اینکه بکلی راه را بن‌بست نشان بدهند و بگویند کاری نمی‌شود کرد؛ نخیر، بنده عرض

بکنم به هیچ وجه این جور نیست؛ اقتصاد ما با ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی که در داخل دارد، می‌تواند یکی از شکوفاترین اقتصادهای منطقه باشد، و حتی می‌تواند یکی از شکوفاترین اقتصادهای دنیا باشد. ما ظرفیت‌های زیادی داریم، امکانات فراوانی داریم؛ استفاده‌ی از این امکانات هم احتیاج به معجزه ندارد، اینها مسائلی است که مسئولان و مدیران ذی‌ربط با اهتمام، با احساس مسئولیت و همت بالا می‌توانند آنها را حل کنند. شرطش این است که یک مدیریت قوی وجود داشته باشد، مدیریت ضد فساد بر کشور حاکم باشد و یک برنامه‌ی جامع اقتصادی هم وجود داشته باشد؛ اگر باشد، از این ظرفیت‌هایی که هست می‌توان استفاده کرد.

همین حالا کارشناسان بانک جهانی - که این دیگر حرف ما نیست؛ حرف اقتصاددانان معروف و در واقع درجه‌ی یک دنیا است که کارشناس بانک جهانی هستند - می‌گویند که اقتصاد ایران در میان اقتصادهای برتر دنیا در رتبه‌ی هجدهم است؛ یعنی از دویست

و خُرده‌ای کشورِ دنیا ما هجدهمین اقتصاد هستیم، [آن هم] در حال فعلی با وجود تحریم و مشکلات فراوانی که وجود دارد. آنها می‌گویند اگر از ظرفیّت‌های استفاده‌نشده - که حالا اشاره می‌کنم به بعضی از آن ظرفیّت‌ها - استفاده بشود، اقتصاد ایران شش رتبه بالاتر می‌آید و به رتبه‌ی دوازدهم می‌رسد. این خیلی چیز مهمّی است. با هشتاد و چند میلیون جمعیت، با وجود این همه مشکلاتی که دیگران بر ما تحمیل می‌کنند - تحریم و امثال اینها - کشور بحمدالله زنده است، سر پا است، هجدهمین اقتصاد برتر دنیا است. این چیز کمی نیست؛ این را بایستی توجّه داشت.

اما حالا ظرفیّت‌هایی که در این گزارش بانک جهانی وجود دارد و آنچه اینها می‌گویند، دو نوع ظرفیّت است: یکی ظرفیّت‌های سرزمینی است، یکی ظرفیّت‌های انسانی است. ظرفیّت‌های سرزمینی، [مثلاً] وسعت کشور، دسترسی کشور به آب‌های آزاد - ما همسایه‌ی دریای عمان و اقیانوس هند هستیم و دسترسی داریم به آب‌های آزاد - تعداد همسایگان - که

چهارده پانزده کشور همسایه‌ی ما هستند با بیش از حدود ششصد میلیون جمعیت؛ این خیلی فرصت مهم و ظرفیت مهمی است- مسیر ترانزیت و حمل و نقل شرق و غرب و شمال و جنوب که حالا موقعیت کشور ما یک چنین موقعیتی است؛ [دارای] این ظرفیت است. البته بله، دشمن‌ها فعالیت می‌کنند که نگذارند از این ظرفیت‌ها بشود استفاده کرد اما می‌توان با فعالیت‌های خوب، با تلاش مضاعف از این ظرفیت‌ها استفاده کرد. این‌ها ظرفیت‌های سرزمینی است.

ظرفیت‌های نیروی انسانی، عبارت است از جمعیت در سن کار. ببینید؛ به برکت ازدیاد نسلی که در [دهه‌ی] ۶۰ اتفاق افتاد که یک عده‌ای داد و فریادشان بلند بود که چرا داریم نسل را بی‌رویّه زیاد می‌کنیم، امروز همان‌ها جوان‌هایی هستند که وارد بازار کار شده‌اند؛ یعنی کشور، کشور جوان است، نیروی کار فراوانی وجود دارد که می‌توانند وارد بازار کار بشوند؛ [باید] بتوانیم نیروی در سن کار و دارای تحصیلات را فعال کنیم؛ با این گستره‌ی

عجیب تحصیلات دانشگاهی ما، با این همه دانشجو و فارغ‌التحصیلی که ما داشتیم که موجب شده است که عمده‌ی نسل جوان ما فارغ‌التحصیل و تحصیل کرده و باسواد و توانای کار باشند. این حالا این‌هایی بود که در گزارش بانک جهانی هست اما غیر از اینها ظرفیت‌های مهم دیگری وجود دارد که من به بعضی [از آنها] اشاره می‌کنم.

یکی از ظرفیت بازار داخلی است؛ یعنی یک بازار هشتاد میلیونی در اختیار تولیدکننده‌ی ایرانی است، یعنی هر تولیدکننده‌ای خودش مصرف‌کننده هم هست، مجموعاً یک بازار هشتاد میلیونی یک کشور بزرگ در اختیار تولیدکننده‌ی ایرانی است و خود این فرصت مهمی است. یک ظرفیت مهم دیگر سرمایه‌های طبیعی است که امروز ما از بعضی از این سرمایه‌های طبیعی -از همه نه- استفاده می‌کنیم ولیکن خب به صورت خام -خیلی از این‌ها به صورت خام- مثل نفت، مثل گاز که این‌ها به صورت خام دارد مصرف می‌شود، در حالی که از اینها می‌شود استفاده‌های برتر کرد

و ارزش افزوده ایجاد کرد به وسیلهی اینها؛ یا زمین‌های کشاورزی یا مراتع یا جنگل‌ها، که اینها ثروت‌های عظیمی است که در اختیار ملت ایران است. ما در مورد معادن زیرزمینی مثل نفت و گاز، مثل روی، مس، سنگ آهن و امثال اینها در دنیا رتبه‌های بالا داریم؛ از رتبه‌ی اوّل و دوّم گرفته تا رتبه‌ی نهم. ما این منابع عظیم طبیعی را داریم. خب این ظرفیت بسیار مهمّی است. علاوه‌ی بر اینها، زیرساخت‌های مهمّی در این سی سال به وجود آمده که اینها در کشور نبود: سدها، نیروگاه‌ها، مسیرهای حمل و نقل ریلی، مسیرهای حمل و نقل جاده‌ای و فراوان امثال اینها که زیرساخت‌های زیادی به وجود آمده. خب یک کشوری با این خصوصیات، با این همه ظرفیت، اگر یک برنامه‌ریزی درست اقتصادی داشته باشد و یک مدیریت قوی هم بالاسرش باشد که این مدیریت - که من حالا بعد در مسئله‌ی انتخابات اشاره خواهم کرد - البته باید قوی و قادر بر حلّ مسائل باشد، مردمی باید باشد، ضدّفساد باید باشد می‌تواند به یک کشور پیشرفته‌ی اقتصادی تبدیل بشود

و دیگر هیچ گونه ابزار تحریم در او اثر نکند. نه اینکه تحریم‌ها برداشته بشود؛ می‌خواهد برداشته بشود، می‌خواهد نشود؛ وقتی که یک اقتصاد شکوفای پیش‌رونده‌ای وجود داشت، دیگران اصلاً احساس احتیاج می‌کنند و تحریم معنا پیدا نمی‌کند.

یک نکته‌ی دیگری که در باب اقتصاد کشور خوب است عرض بکنیم، این است که رفع مشکلات احتیاج به همراهی مردم دارد؛ همدلی مردم. هر کاری که مردم وارد شدند قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این جور بوده؛ در همه‌ی اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده. من می‌خواهم عرض بکنم در مسئله‌ی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای تولید، خود مردم می‌توانند نقش ایفا کنند؛ چه آنهایی که سرمایه دارند و این سرمایه را در راه مثلاً بعضی از داد و ستدها و سوداگری‌های بی‌مورد مصرف می‌کنند می‌توانند اینها را در راه تولید مصرف کنند، چه کسانی که می‌خواهند کمک کنند به دیگران؛ مثل این

کمک مؤمنانه‌ای که برای قضیه‌ی کرونا انجام گرفت که همه‌ی مردم وارد شدند، در قضیه‌ی تولید [هم] می‌توانند کسانی که توانایی دارند، برای یک نفر، دو نفر، ده نفر اشتغال ایجاد کنند و کمک کنند به اشتغال آنها.

البته این [کار]، سازمان‌دهی مردمی لازم دارد؛ خیلی‌ها هستند می‌خواهند کمک کنند، نمی‌دانند چه جور باید کمک کنند. خیریه‌های مردمی، نهادهای انقلابی، امنای مساجدی که در این زمینه فعالند مثل بعضی جاهای دیگر، بایستی این‌ها را برنامه‌ریزی کنند تا هر کسی بداند که با یک سرمایه‌ی کم چطور می‌شود به تولید کشور کمک کرد؛ یعنی همه خیال نکنند که بایستی میلیاردی سرمایه داشته باشند تا بتوانند در تولید وارد بشوند؛ نه، با سرمایه‌های کم هم گاهی می‌توان به تولید کشور کمک کرد. گاهی یک خانواده‌ی روستایی را مثلاً فرض کنید با چند رأس دام می‌شود زنده کرد، احیا کرد، خودکفا کرد؛ یک خانواده‌ی شهری را مثلاً فرض کنید با یک دستگاہ بافندگی یا خیاطی یا امثال اینها می‌توان اصلاً خودکفا کرد؛ از این

کارها فراوان می‌توان کرد که هم کمک به مردم و مبارزه‌ی با فقر است و هم کمک به تولید است.

به این مناسبت، من چند جمله‌ای راجع به تحریم عرض بکنم -البته بعداً برمی‌گردم باز یک مقدار دیگر توضیح خواهم داد- اینجا به مناسبت مسئله‌ی اقتصاد عرض می‌کنم که اولاً محاصره‌ی اقتصادی و تحریم که آمریکا علیه ما انجام داد و علیه بعضی از کشورهای دیگر هم انجام می‌دهد، یکی از جنایت‌های بزرگ دولتها است. به مسئله‌ی تحریم به شکل یک کار سیاسی یا دیپلماسی نباید نگاه کرد؛ این واقعاً جنایت است. اینکه یک ملتی را تحریم کنند که نتواند دارو وارد کند، نتواند ابزار پزشکی وارد کند، نتواند امکانات غذایی وارد کند -حالا ما الحمدلله گلیم خودمان را از آب بیرون می‌کشیم و کشیده‌ایم، اما بعضی از کشورها هستند که نمی‌توانند این کار را بکنند- واقعاً جنایت بزرگی است و این جنایت از دولتی مثل آمریکا برمی‌آید که می‌تواند در یک روز ۲۲۰ هزار نفر را به قتل برساند؛ (اشاره به بمباران

اتمی هیروشیما و ناکازاکی توسط آمریکا در سال ۱۹۴۵ میلادی) این جنایت را بعضی از قدرتها از جمله آمریکا کردند. این را بدانید که تحریم و محاصره‌ی اقتصادی قطعاً یک جنایت بزرگ است؛ این مطلب اوّل.

با این وجود، تحریم برای کشور ما - که این جنایت نسبت به کشور ما انجام گرفت - یک منافعی هم داشت که توانست این تهدید را در واقع به فرصت تبدیل کند؛ یعنی جوان‌های پُر تلاش ما همت کردند و در بعضی از بخش‌هایی که کاملاً کالاها وابسته‌ی به خارج بود، کشور را از خارج بی‌نیاز کردند، یعنی در داخل تولید کردند؛ تولیدات داخلی. این باز غیر از مسئله‌ی جهش تولید است؛ این ایجاد فناوری در داخل کشور است؛ این در واقع اقدام به یک کار نو در داخل کشور است که گزارش‌ها [یی] را گاهی در تلویزیون مشاهده می‌کنید که می‌گویند ما این کار را کردیم. محصولی درست می‌کنند که کشور را از خارج بی‌نیاز می‌کنند و محصول آنها از نوع خارجی‌اش، هم مرغوب‌تر است، هم ارزان‌تر است و بعد هم ساخته‌ی

دست بچه‌های خود ما است که انسان با رغبت تمام می‌تواند آن را مصرف کند و این وابستگی را در بخش‌هایی قطع کردند؛ این برای ما یک درس شد. اینکه الان در بعضی از برنامه‌های تلویزیون مشاهده می‌کنید که یک جوانی می‌آید می‌گوید من یا ما چند نفر این کار را کردیم یا این اقدام را کردیم، واقعاً برای ما یک درسی شد.

ما در مقابله‌ی با تحریم دو راه می‌توانیم برویم: یکی اینکه برویم سراغ تحریم‌کننده و از او خواهش کنیم، بگوییم «آقا شما ما را تحریم کردید، ما خواهش می‌کنیم که حالا مثلاً شما این تحریم را کم کنید یا بردارید»، او هم بگوید خیلی خب حرفی ندارم، این کارها را انجام بدهید - چند خواسته‌ی استکباری روی میز بگذارد، بگوید این کارها را انجام بدهید - من یک مقدار از تحریم را کم می‌کنم؛ این یک راه است که در واقع راه ذلت، راه انحطاط، راه عقب‌ماندگی است. یک راه دیگر هم این است که نیروی داخلی خودمان را فعال کنیم؛ ما توانایی‌های خوبی داریم؛ این نیروها را

فَعَّال کنیم و کالای تحریمی را در داخل تولید کنیم. آن طرفِ مقابل وقتی دید در داخل دارد این کالا تولید می‌شود، خودش به دست و پا می‌افتد؛ چون خود آنها سود می‌برند از این تجارت کالا و از بازارهای کشورهای -یک سود عمده‌ی دولت‌ها این است- لذاست که خود این موجب می‌شود که تحریم یا برداشته بشود یا لغو بشود یا بی‌اثر بشود.

بنابراین ملت ما این راه دوّم را انتخاب کرده؛ یعنی واقعاً این جور است. من می‌بینم ملت عزیز ما این راه دوّم را انتخاب کرده و موفقیّت‌های بزرگی هم به دست آورده که آخری‌اش همین موفقیّت‌های مربوط به مسئله‌ی کرونا است. ما اوّلی که کرونا آمد، اگر یادتان باشد، حتّی ماسک نداشتیم. امکانات برای اینکه مردم ماسک بزنند، به قدر کافی در اختیار کشور نبود؛ یا این ماده‌های ضدّ عفونی‌کننده در اختیار نبود. در داخل تلاش کردند، از لحاظ ماسک خودکفا شدیم. دیگران ماسک را [می‌زدیدند] -این مربوط به اسفند اسبق، سال ۹۸ و فروردین سال ۹۹ است- ماسک

را یک کشور اروپایی از چین خریده بود، یک کشور اروپایی دیگر آمد سر راه گرفت و دزدید و برداشت برد! یعنی مسئله‌ی ماسک در دنیا این جور بود. ما خودمان [تولید کردیم]؛ جوان‌های ما، مردم ما، در خانه‌ها و در مسجدها ماسک یا مواد ضد عفونی‌کننده را تولید کردند؛ یعنی این واقعاً مظهر کامل قطع وابستگی به خارج بود. و همین طور پیش رفتیم تا رسیدیم به واکسن که امروز واکسن از راه‌های مختلف و در چند طریق بحمدالله در طریق تولید و آزمایش و به فعلیت رسیدن است. این مایه‌ی آبرو برای کشور شده؛ یعنی بعضی تحلیلهای خارجی که بانصاف هستند تحسین می‌کنند کشور ما را. این راه را ملت ایران امتحان کردند و ان شاءالله همین راه را دنبال خواهند رفت.

هزاران جوان در شرکت‌های دانش‌بنیان و غیر دانش‌بنیان، شرکت‌های فعال تولیدی در حال تولید کالاهای تحریمی‌اند که هم کیفیتش بهتر است، هم همان طور که گفتیم ارزان‌تر است. در دانش‌های دیگر هم همین جور؛ یعنی واقعاً ما در زمینه‌ی استعداد جوان‌ها هر

چه بگوئیم زیادی نیست و کم گفته‌ایم. در زمینه‌ی دانش‌های نوپدید، مثلاً دانش نانو، ما امروز در دنیا جزو کشورهای درجه‌ی بالا در مسئله‌ی فناوری نانو و تولید نانوی هستیم و از لحاظ مقالات علمی، مقالات مرجع، مراکز علمی جهانی می‌گویند در ظرف این بیست سال گذشته -چون نانو دانش نوپدیدی است- مثلاً در سال ۲۰۰۱ ایران ده مقاله در باب نانو داشت، در سال ۲۰۲۰ دوازده هزار مقاله؛ یعنی ما در ظرف بیست سال از ده مقاله‌ی علمی در باب نانو رسیدیم به دوازده هزار مقاله‌ی علمی؛ یک چنین کارهایی بحمدالله در کشور دارد انجام می‌گیرد؛ اینها مهم است. در بخش‌های دفاعی هم که می‌بینید؛ در بخش‌های دفاعی هم روزبه‌روز الحمدلله پیشرفت کشور برجسته‌تر و درخشان‌تر و از نظر بعضی حیرت‌انگیزتر دارد می‌شود که این تولیدات دفاعی کشور ضریب امنیّت خارجی کشور را بالا می‌برد؛ این خیلی مهم است برای کشور؛ یعنی «حصون الرعیّة»؛ (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳) در واقع اینها حصن و حصاری هستند برای

امنیت کشور. بنابراین، تهدید تحریم را که یک تهدید واقعی و یک جنایت حقیقی است، می‌توان تبدیل کرد به فرصت؛ به این شکل که به ظرفیت‌های داخلی و نیروهای داخلی خودمان تکیه بکنیم.

نکته‌ی آخر در باب مسائل اقتصادی این است که توصیه‌ی مؤکد ما به مسئولان عزیز کشورمان -چه مسئولانی که الان سر کار هستند، چه آن‌هایی که بعداً خواهند آمد- این است که مسئله‌ی اقتصاد کشور را به رفع تحریم گره نزنند. حالا در این تبلیغات انتخاباتی هم بحث اقتصادی مطرح خواهد شد؛ اقتصاد کشور را معطل و پادرها در انتظار تصمیم‌گیری دیگران قرار ندهند که [اگر] تحریم برداشته بشود ما این کار را می‌کنیم، آن کار را می‌کنیم. فرض کنید تحریم باقی خواهد ماند؛ اقتصاد کشور را بر اساس ماندن تحریم برنامه‌ریزی کنید؛ و می‌شود برنامه‌ریزی کرد؛ چشم‌انتظار نباید باشید. یکی از مشکلات اقتصاد ما در این سه چهار سال اخیر همین بوده که مدام گفتیم تحریم [اگر] برداشته بشود، مثلاً فرض کنید این

جوری می‌شود، تحریم [اگر] برداشته شد آن جوری خواهد شد، سرمایه‌گذاری خارجی [اگر] انجام بگیرد این جوری خواهد شد؛ این «اگر اگرها» اقتصاد را معطل و سردرگم نگه می‌دارد و نبایستی بلا تکلیفی در اقتصاد به وجود بیاید، که این ضرر بزرگی است. این راجع به مسائل مربوط به اقتصاد و شعار امسال که ان شاء الله همه باید تلاش کنند این مسئله‌ی رفع موانع [تولید] را و پشتیبانی‌ها را تحقق ببخشند.

اما راجع به انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای که در خرداد در پیش داریم، یعنی نزدیک سه ماه دیگر این کار پیش می‌آید و این بسیار بسیار مهم است، من چند مطلب را بایستی عرض بکنم.

مطلب اول اهمیّت انتخابات است؛ انتخابات در کشور خیلی دارای اهمیّت است، هم از جنبه‌ی داخلی، هم از جنبه‌ی وجهه‌ی خارجی. از جنبه‌ی داخلی، انتخابات در واقع یک نوسازی در کشور است؛ وقتی انتخابات انجام می‌گیرد یعنی یک افراد تازه‌نفسی وارد میدان میشوند، وارد کار میشوند، و در دستگاه اجرای

کشور یک نوسازی‌ای به وجود می‌آید که این خیلی چیز مهمی است؛ کأنه یک نَفَس تازه‌ای به دستگاه اجرائی داده خواهد شد. خب کار دستگاه اجرائی خیلی سنگین است که بعد هم اشاره می‌کنم و ان‌شاءالله می‌گوییم. بنابراین یک مجموعه‌ی تازه نَفَس و پُرانگیزه وارد کار می‌شوند، و این برای کشور خیلی چیز مبارک و خوبی است.

از جهت وجهه‌ی خارجی هم انتخابات و حضور مردم و مشارکت مردم، نشان‌دهنده‌ی اقتدار ملی است. این را همه باید بدانیم و اذعان کنیم که بله، امکانات دفاعی و قدرت‌های دیپلماسی و امثال اینها به کشور اقتدار می‌دهد، در این شکی نیست اما بیش از همه‌ی اینها مردم یک کشورند، ملتند که اقتدار می‌دهند. وقتی همه احساس کنند در دنیا -دشمن و دوست- که این ملت هوشیار است، بیدار است، سر پا است، عازم است، پُرانگیزه است، این کشور یک اقتداری، یک هیبتی در چشم همه پیدا می‌کند؛ چه دوست و چه دشمن. بنابراین حضور مردم موجب اقتدار

کشور خواهد شد. و انتخابات، مظهر حضور مردم است؛ اجتماعات انقلابی، مظهر حضور مردم است و از همه مهم‌تر البته انتخابات است.

خب بنده قبلاً مکرّر راجع به «ایران قوی» صحبت کرده‌ام؛ (از جمله، بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی) یعنی ما باید تلاش کنیم کشور را قوی کنیم. خب، کشوری و ملّتی که می‌بیند دشمنی‌های دشمنان و زیاده‌خواهان و مستکبران را، راه کار و علاجش این است که خودش را قوی کند. این قوّت کشور و «ایران قوی» یک شعار عمومی است، این را همه قبول دارند؛ آن کسی که بنده را هم قبول ندارد، شعار «ایران قوی» را قبول دارد. مسلماً ایران قوی بهتر از ایران ضعیف و ناتوان و توسری‌خور است؛ ایران قوی، ایران عزیز و دارای عزّت. خب حالا این قوّت را چه کسی به ایران می‌بخشد؟ همان طور که عرض کردیم، ملّت؛ ملّت هستند که این قوّت را به کشور می‌بخشند و حضور ملّت و مشارکتشان هم -اصل مشارکتشان، اندازه‌ی مشارکتشان- مسلماً

در این قوت ملی تأثیر دارد.

و من این را هم عرض بکنم - اینها دیگر اطلاعات ما است - ملت عزیز هم بدانند که دستگاه‌های جاسوسی و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای و از همه بدتر کشور آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی از چندی پیش و نه امروز دارند تلاش می‌کنند که انتخابات آخر خرداد را بی‌رونق کنند؛ یا برگزارکنندگان را متهم می‌کنند [و می‌گویند] «انتخابات مهندسی شده» - در واقع برگزارکنندگان انتخابات را دارند متهم می‌کنند یا شورای محترم نگهبان را متهم می‌کنند - یا مردم را دلسرد می‌کنند [و می‌گویند] «رأی شما اثری ندارد، در بهبود اوضاع تأثیری نمی‌گذارد؛ چرا بی‌خودی خودتان را خسته می‌کنید!». با شدت تمام از این کارها دارند می‌کنند.

و از فضای مجازی هم حداکثر استفاده را دارند می‌کنند. خب متأسفانه در فضای مجازی کشور ما هم که آن رعایت‌های لازم با وجود این همه تأکیدی که من کردم صورت نمی‌گیرد و در یک جهاتی واقعاً ول است، که بایستی

آن کسانی که مسئول هستند حواسشان باشد. همه‌ی کشورهای دنیا روی فضای مجازی خودشان دارند اِعمال مدیریت می‌کنند، [در حالی که] ما افتخار می‌کنیم به اینکه ما فضای مجازی را ول کرده‌ایم! این افتخار ندارد؛ این به هیچ وجه افتخار ندارد. فضای مجازی را بایستی مدیریت کرد. از این امکان مردم استفاده کنند، برای مردم بلاشک وسیله‌ی آزادی است، خیلی هم خوب است اما نباید این وسیله را در اختیار دشمن گذاشت که بتواند علیه کشور و علیه ملت توطئه کند. دارند استفاده می‌کنند از این فضا و هدفشان هم همین است که با شیوه‌های روانی، مشارکت مردم را در انتخابات کاهش بدهند. و امیدوارم که ان‌شاءالله مردم پاسخ رد به اینها بدهند و کاری کنند که دشمن را ناامید کنند و این مهم دور نماند. این مطلب اوّل که اهمّیّت انتخابات است.

مطلب دوّم، اهمّیّت مسئله‌ی ریاست جمهوری است. ریاست جمهوری خیلی مسئله‌ی مهمّی است؛ یعنی مهم‌ترین و مؤثرترین مدیریت کشور، ریاست جمهوری

است. اینکه حالا بعضی‌ها می‌گویند رئیس‌جمهور اختیاراتی ندارد، رئیس‌جمهور تدارکاتچی است، رئیس‌جمهور دوازده درصد یا پانزده درصد اختیارات دارد - چه جوری هم محاسبه می‌کنند من نمی‌دانم! چند سال است که از این حرفها گاهی گوشه کنار زده می‌شود - همه‌ی اینها خلاف واقع است؛ یا از روی بی‌مسئولیتی گفته می‌شود یا از روی بی‌اطلاعی گفته می‌شود یا خدای نکرده غرض‌ورزی‌ای در کار است. این جوری نیست؛ رئیس‌جمهور [ی] یکی از پُرمشغله‌ترین و پُرمسئولیت‌ترین دستگاه‌ها است؛ یعنی نمی‌شود گفت «یکی از»؛ رئیس‌جمهور از همه‌ی مدیریت‌های کشور پُرمشغله‌تر و پُرمسئولیت‌تر است؛ تقریباً همه‌ی مراکز مدیریتی کشور در اختیار رئیس‌جمهور است؛ یعنی فرض کنید که قوه‌ی قضائیه یا دستگاه‌های نظامی خب مدیریت‌هایی دارند؛ اینها در قبال مدیریت‌هایی که در قوه‌ی مجریه هست یک اندکی بالاتر از صفرند یا چند درصد مختصرند. عمده‌ی نزدیک به همه‌ی مدیریت‌های کشور که هزاران مدیریت است،

در اختیار رئیس قوه‌ی مجریه است. همه‌ی بودجه‌ی مصوب کشور در اختیار رئیس جمهور است، چون رئیس [سازمان] برنامه و بودجه معاون رئیس جمهور است و مستقیم زیر نظر ریاست جمهوری است. امکانات حکومتی کشور هم همین طور، اکثر و اغلب در اختیار رئیس جمهور است. بنابراین، مدیریت‌های دیگر در جنب قوه‌ی مجریه در واقع چیزی نیستند. ریاست جمهوری یک چنین جای مهمی است. حالا شما می‌خواهید رئیس جمهور انتخاب بکنید؛ ببینید که چه مسئولیتی بر عهده‌ی من و شما است که باید برویم رأی بدهیم. البته رأی بنده با رأی یک پسر شانزده هفده ساله یک اندازه وزن دارد؛ هیچ کم و زیاد نیست. ما می‌خواهیم برویم رأی بدهیم یک رئیس جمهور انتخاب بکنیم؛ توجه کنیم به اینکه چه مسئولیتی بر دوش رئیس جمهور است. این هم یک نکته.

در نکته‌ی سوم مطلبی را می‌خواهم به داوطلبان عرض بکنم. به آن کسانی که داوطلب ریاست جمهوری می‌شوند -حالا شروع

شده دیگر؛ الان مدتی است که افراد پی‌درپی اعلام می‌کنند که می‌خواهند شرکت کنند- می‌خواهم به آنها بگویم انتظار داریم سنگینی کار را بدانید؛ شما که داوطلب شده‌اید، بدانید چه چیزی را می‌خواهید بر دوش بگیرید، چه بار سنگینی را می‌خواهید بر دوش بگیرید؛ این را بدانید. اگر دیدید می‌توانید، خیلی خب، وارد کارزار انتخاباتی بشوید؛ اما این جور نباشد که سنگینی کار را ندانید. اولاً مشکلات و مسائل اصلی کشور را بشناسید. مسائل کشور یکی دو تا که نیست؛ صدها مسئله هست که از این صدها مسئله اقلّ ده‌ها مسئله‌اش جزو مسائل اساسی و مهمّ کشور است؛ اینها را بدانید، بدانید که مشکل کشور کجا است و مسائل کشور چیست، برای حلّ آن مسائل هم یک برنامه‌ای و راه حلّی داشته باشید، ولو اجمالی؛ حالا نمی‌گوییم تفصیلی؛ ولو به نحو اجمال، یک راه حلّی برای آن داشته باشید. مسئله‌ی اقتصاد را بشناسید؛ اقتصاد مهم است. در خود مسئله‌ی اقتصاد کارهای مهمّی هست؛ رشد تولید ملّی، رشد سرمایه‌گذاری ملّی، تقویت

پول ملی، مسئله‌ی تورّم و امثال اینها در ذیل عنوان اقتصاد است. بعد، مسئله‌ی امنیت کشور که مسئله‌ی بسیار مهمّی است. موضوع آسیب‌های اجتماعی که یکی از آن مسائل مهمّ کشور مسئله‌ی آسیب‌های اجتماعی است. روبه‌رو شدن با سیاست‌های پیچیده‌ی دنیا؛ شما می‌خواهید با این سیاست‌ها مواجه بشوید؛ مسئله‌ی سیاست خارجی. [همچنین] مسئله‌ی بسیار مهمّ فرهنگ. شما باید بدانید که در کشور چه خبر است و چه انتظاری هست و چه کار باید انجام بگیرد؛ اینها را بدانید. اگر می‌بینید می‌توانید این بار سنگین و مهم را به دوش بگیرید، بسم‌الله، وارد بشوید؛ اگر دیدید نه، وارد نشوید که در روایت دارد که به آن کسی که یک کاری را نمی‌تواند و وارد آن کار می‌شود وعده‌ی خیلی بدی داده‌اند که من حالا دیگر آن وعده را عرض نمی‌کنم. پس بنابراین، این هم یک نکته که مربوط به داوطلبان بود. یک نکته‌ی دیگر خطاب به آحاد مردم است که خصوصیات یک رئیس‌جمهوری را که به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور مطلوب باید دارای

این خصوصیات باشد، من می‌گویم، شما نگاه کنید ببینید واقعاً همین جور است یا نه؛ یعنی این نظر شخص من نیست؛ به نظر می‌رسد هر کسی که به دنبال سعادت کشور است یک چنین رئیس‌جمهوری می‌خواهد. اولاً باکفایت باشد، دارای مدیریّت و کفایت مدیریّت باشد. ثانیاً باایمان باشد؛ اگر بی‌ایمان بود، نمی‌شود به او اعتماد کرد؛ آدم بی‌ایمان کشور را، منافع کشور را، مردم را یک وقتی می‌فروشد؛ پس باایمان باشد. بعد، عدالت‌خواه باشد، ضدّ فساد باشد؛ این یکی از مهم‌ترین خصوصیات است که بایست در رئیس‌جمهور وجود داشته باشد که به معنای واقعی کلمه به دنبال اجرای عدالت باشد و به معنای حقیقی کلمه با فساد بخواهد مبارزه کند. دارای عملکرد انقلابی و جهادی باشد؛ یعنی با عملکرد اُتوکشیده نمی‌شود کار کرد؛ با این همه مسائل اساسی‌ای که در کشور وجود دارد، یک حرکت جهادی و انقلابی لازم است؛ بایستی عملکردش این جوری باشد.

به توانمندی‌های داخل معتقد باشد. بعضی‌ها

هستند داخل را اصلاً قبول ندارند؛ همان حرف قدیمی را می‌گویند که در داخل، فقط لوله‌نگ (آفتابه‌ی سفالی) را می‌توانند [بسازند]؛ نمی‌دانند که در داخل چه خبر است. یک وقتی یکی از آقایان یک چیزی راجع به مسئله‌ی دفاعی گفته بود، من گفتم (از جمله، بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها (۱۳۹۳/۴/۱۱)) یک تور دفاعی بگذارید تا آقایان ببینند یک خرده‌ای بچرخند و ببینند از لحاظ دفاعی در کشور چه خبر است. توانمندی‌های کشور را واقعاً مطمئن باشند و معتقد باشند به توانمندی‌ها. و به جوانان معتقد باشند، جوان‌ها را قبول داشته باشند، جوان‌ها را به عنوان پیش‌ران حرکت عمومی کشور بشناسند و به آنها اعتماد کنند. بنده از سابق با جوان‌ها مرتبط بودم و سالها است که به اینها در مسائل گوناگون اعتماد می‌کنم؛ واقعاً هر جایی که جوان‌ها وارد می‌شوند - من نمی‌خواهم حالا عناوین و مانند این‌ها را اسم بیاورم - این جوری است که گره‌های سخت را باز می‌کنند و مشکل‌گشایی می‌کنند. خود این رئیس‌جمهور به جوان‌ها معتقد باشد. مردمی

باشد. امیدوار باشد؛ آدم مأیوس و بدبین و با نگاه تلخ به آینده و تاریک به آینده نباشد. اگر چنانچه یک چنین کسی باشد که بتواند مشکلات را مدیریت کند و بیاید سر کار، مطمئناً این کشور را به نقطه‌ی مطلوب خواهد رساند. یک رئیس‌جمهوری با این خصوصیات را پیدا کنید. البته پیدا کردنش برای همه‌ی آحاد مردم آسان نیست؛ خب می‌توانند به کسانی مراجعه کنند، از آنها سؤال کنند. به هر حال، سعی کنند یک چنین خصوصیات را در نامزد ریاست جمهوری پیدا کنند. و از خدا بخواهیم که خودش ان‌شاءالله ملت ایران را کمک کند و هدایت کند که بتوانند چنین شخصی را با این خصوصیات بیابند و او را انتخاب کنند.

در باب انتخابات آخرین مطلب این است که ملت عزیزمان انتخابات را نماد وحدت ملی قرار بدهند، نماد دودستگی و نماد تفرقه قرار ندهند، نماد دوقطبی‌گری قرار ندهند؛ این تقسیم‌های غلط «چپ» و «راست» و امثال اینها را کنار بگذارند. آنچه مهم است آینده‌ی کشور است، آنچه مهم است آینده‌ی نسل ما

است، آنچه مهم است نظام باعزت اسلامی در کشور است؛ اینها مهم است، اینها را بایستی در نظر بگیرند و به معنای واقعی کلمه در کنار هم باشند. البته سلیقه‌ها مختلف است؛ اختلاف سلیقه هست، اختلاف بینش سیاسی هست، اختلاف قومیت‌ها هست، اختلاف مذاهب هست؛ اینها هیچ اشکالی ندارد؛ هم قبلاً بوده، هم حالا هست، هم بعدها خواهد بود؛ اینها اشکالی ندارد [لکن] اینها باید وحدت ملی را به هم نزنند، یعنی آحاد ملت را در مقابل هم قرار ندهد، کشور را دوقطبی نکند. خب این هم راجع به انتخابات.

آخرین مطلب، مسائل مربوط به برجام و مسائل منطقه است؛ یک جملاتی هم در این زمینه عرض می‌کنیم. مطلب اول این است که فشار حداکثری آمریکا شکست خورد. آن احمق قبلی، (دونالد ترامپ) رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده‌ی آمریکا) این سیاست فشار حداکثری را برای این طراخی کرده و اجرا کرده بود که ایران را در موضع ضعف قرار بدهد تا بعد، ایران به خاطر ضعیف بودن، مجبور بشود، ناچار بشود بیاید

پای میز مذاکره، او هم هر چه می‌خواهد خواسته‌های مستکبرانه‌ی خودش را بر ایرانِ ضعیف تحمیل کند؛ هدفش این بود. خب او گم و گور شد و رفت، آن هم با آن افتضاح؛ (عدم پذیرش نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا توسط دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور سابق آمریکا) و سخنان وی، منجر به حمله‌ی هوادارانش به ساختمان کنگره و درگیری میان نیروهای پلیس و آنها شد. این وضعیّت باعث شد که چندین روز در ایالت‌های مختلف آمریکا وضعیّت فوق‌العاده و حکومت نظامی اعلام شود) رفتنش هم رفتن با عافیت نبود، رفتن با افتضاح بود؛ و هم خودش مفتضح شد، هم کشورش را مفتضح کرد، آمریکا را مفتضح کرد. و بحمدالله جمهوری اسلامی با قدرت و اقتدار ایستاده و به عزّت الهی، این کشور و این ملت عزیز است. بنابراین بدانند که فشار حداکثری‌اش تا الان شکست خورده، بعد از این هم اگر چنانچه این دولت جدید آمریکا بخواهند فشار حداکثری را دنبال کنند، اینها هم شکست می‌خورند، اینها هم گم و گور می‌شوند می‌روند و ایران اسلامی، با قدرت، با عزّت هر چه بیشتر خواهد ماند. این توصیه‌هایی هم که ما عرض کردیم،

موجب می‌شود که ان‌شاءالله روزبه‌روز ایران قوی‌تر [بشود].

مطلب دوّم این است که سیاست کشور در باب تعامل با طرف‌های برجامی و در باب خود برجام، صریحاً اعلام شده؛ از این سیاست هیچ تخطّی نباید کرد؛ این سیاستی است که اعلام شده، مورد اتّفاق هم بوده؛ یعنی این جور نیست که این سیاست، سیاست استثنائی‌ای باشد در بین سیاست [های دیگر]؛ نه، این سیاستی است که مورد اتّفاق همه بوده. آن سیاست هم عبارت از این است که آمریکایی‌ها باید تمام تحریم‌ها را لغو کنند، بعد ما راستی‌آزمایی خواهیم کرد؛ اگر چنانچه به معنای واقعی کلمه لغو شده بود، آن وقت ما به تعهدات برجامی‌مان برمی‌گردیم، یعنی بدون هیچ مشکلی به تعهدات برخورداریم گشت؛ این سیاستِ قطعی است. قول آمریکایی‌ها را [هم] معتبر نمی‌دانیم؛ اینکه بگویند ما برمی‌داریم و روی کاغذ بردارند، این فایده‌ای ندارد؛ عمل لازم است؛ باید در عمل تحریم‌ها را بردارند، ما هم راستی‌آزمایی کنیم و مطمئن بشویم که

تحریم‌ها برداشته شده، آن وقت به تعهداتمان عمل می‌کنیم.

حالا بعضی از آمریکایی‌ها روی همان قرارداد برجام هم حرف دارند. شنیدم بعضی از آمریکایی‌ها می‌گویند که امروز شرایط سال ۹۴ و ۹۵ که برجام امضا شد فرق کرده، تغییر کرده، پس باید برجام هم تغییر پیدا کند؛ بنده قبول دارم، بله، امروز شرایط نسبت به سال ۹۴ و ۹۵ تغییر کرده منتها به نفع آمریکا تغییر نکرده، به نفع ما کرده؛ شرایط تغییر کرده به نفع ایران نه به نفع شما! ایران از ۹۴ تا امروز خیلی قوی‌تر شده، توانسته به خودش متکی باشد و اعتماد به نفس پیدا کرده؛ شما از ۹۴ تا حالا بی‌آبرو شده‌اید! یک دولتی سر کار آمد در آمریکا که با حرفش، با عملش، با رفتارش و بعد هم با کناره‌گیری‌اش کشور شما را مفتضح کرد. مشکلات اقتصادی، تمام مجموعه‌ی کشور شما را فرا گرفته؛ یعنی این جور نیست [که به نفع شما باشد]. بله شرایط عوض شده، [اما] به ضرر شما؛ اگر چنانچه بنا است برجام تغییر پیدا کند، باید به نفع ایران تغییر پیدا کند نه

اینها. ما بحمدالله تحریم‌ها را بی‌اثر کردیم؛ با شرکت‌های دانش‌بنیان فراوان، حرکت عظیم جوانان، ابتکارهای گوناگون در این زمینه؛ ان‌شاءالله همین راه را هم ادامه خواهیم داد، اما شما روزبه‌روز گرفتارتر شدید؛ تا امروز هم گرفتارید؛ معلوم نیست سرنوشت این رئیس‌جمهور هم چه جوری خواهد شد.

خب ضمناً این را هم بگوییم؛ ما در این مطلبی که به عنوان راه حل پیشنهاد کردیم، عجله هم اصلاً نداریم. حالا بعضی‌ها می‌گویند «آقا فرصت هست، فرصت‌سوزی نباید کرد»؛ بله ما هم معتقدیم که از فرصتها باید به موقع استفاده کرد و فرصت‌سوزی نباید کرد. منتها عجله هم نباید کرد؛ عجله در مواردی خطرش و ضررش از فرصت‌سوزی بیشتر است؛ کما اینکه ما در قضیه‌ی برج‌ام عجله کردیم؛ ما نباید عجله می‌کردیم؛ همه‌ی کارهای آنها روی کاغذ بود، کارهای ما روی زمین بود؛ ما عجله کردیم کارهای خودمان را انجام دادیم، آنها هم کارشان را انجام ندادند، تعهداتشان را انجام ندادند. البته این مسئله‌ی بسیار مهمی است

که ما توجّه داشته باشیم که صبر و حوصله‌مان زیاد است و داریم کار خودمان را می‌کنیم؛ اگر چنانچه آنها همین سیاستی را که ما گفتیم قبول کردند و اعمال کردند، خوب همه چیز درست خواهد شد؛ [اگر] نکردند، به همین شکلی که امروز هست، بعد هم خواهد بود؛ اشکالی هم ندارد.

[در مورد] این هم که ما می‌گوییم مثلاً فرض بفرمایید که اوّل آنها تحریم [را بردارند]، شنفتیم یک عده‌ای از این سیاسیون دنیا و مانند اینها می‌گویند «آقا، این اوّل من، اوّل تو دیگر چه فرقی می‌کند؟ حالا شما می‌گویید اوّل آمریکا، آمریکا می‌گوید اوّل شما»؛ بحث اوّل من، اوّل تو نیست؛ بحث این است که ما زمان او‌باما به آمریکایی‌ها اطمینان کردیم و کارهایی را که باید بر اساس برجام انجام می‌دادیم انجام دادیم، [اما] آنها تعهّد خودشان را انجام ندادند؛ یعنی روی کاغذ گفتند که تحریم‌ها برداشته است، منتها عواملشان به هر شرکتی که خواست با ما قرارداد منعقد بکند گفتند «آقا این خطر دارد، این ریسک دارد و معلوم نیست

چه خواهد شد؟» یعنی طرف سرمایه‌گذار را ترساندند؛ این جوری اینها عمل کردند. ما به کار اینها اعتماد نداریم؛ تعهد اینها برای ما ارزشی ندارد.

البته آمریکایی‌ها در برخورد با ما اشتباه کردند؛ در کلّ مسائل منطقه هم متأسّفانه آمریکایی‌ها دچار اشتباهند؛ الان هم دارند اشتباه می‌کنند؛ این حمایت ظالمانه‌ای که از رژیم صهیونیستی می‌کنند، اشتباه است؛ حضور غاصبانه‌ای که در سوریه پیدا کردند، حضور مفصلی که در شرق فرات پیدا کردند قطعاً اشتباه است؛ این همراهی کردن با دولت سعودی در کوبیدن مردم مظلوم یمن، قطعاً اشتباه است.

سیاست‌هایشان درباره‌ی فلسطین سیاست‌های غلط و اشتباهی است؛ مسئله‌ی فلسطین در دنیای اسلام هرگز فراموش نخواهد شد؛ اینها دل خوش کرده‌اند به اینکه چهارتا دولت حقیر با رژیم صهیونیستی ارتباطات برقرار کنند و عادی‌سازی کنند روابط را. این دو تا سه تا دولتهای آنچنانی که تاثیری ندارند.

امت اسلامی مسئله‌ی فلسطین را فراموش نخواهد کرد؛ از مسئله‌ی فلسطین صرف نظر نخواهد کرد؛ آمریکایی‌ها این را بدانند.

در قضیه‌ی یمن هم همین جور است. تجاوز به یمن در زمان دولت دموکرات قبل از ترامپ آغاز شد؛ یعنی ترامپ که شروع نکرد جنگ یمن را؛ سعودی‌ها جنگ یمن را زمان دولت دموکرات اوباما شروع کردند و با چراغ سبز آمریکا بود؛ آمریکا به آنها اجازه داد و کمکشان کرد؛ امکانات فراوان نظامی در اختیارشان گذاشت؛ برای چه؟ برای اینکه آن قدر سر مردم بی‌سلاح بی‌دفاع یمن بمب بریزند که مثلاً در ظرف پانزده روز، یک ماه آنها را تسلیم کنند؛ خب اشتباه کردند؛ الان شش سال گذشته و نتوانستند؛ مثل همین روزها (ششم فروردین) بود که جنگ یمن و حمله‌ی به یمن شروع شد؛ شش سال از آن روز گذشته است و اینها نتوانسته‌اند مردم یمن را تسلیم کنند. من سؤال می‌کنم از آمریکایی‌ها: شما آن روزی که به سعودی‌ها چراغ سبز [نشان] دادید که وارد جنگ یمن بشوند، می‌دانستید عاقبت گرفتاری

آنها چه خواهد بود؟ می‌دانستید سعودی را در چه باتلاقی دارید گرفتار می‌کنید، که الان نه می‌تواند بماند، نه می‌تواند برگردد؛ الان مشکل برای سعودی، مشکل دوجانبه است که نه می‌تواند جنگ را قطع کند، نه می‌تواند ادامه بدهد؛ هر دو طرفش برایش ضرر دارد. شما آمریکایی‌ها می‌دانستید دارید سعودی را در چه بلایی می‌اندازید؟ اگر می‌دانستید و در عین حال کردید، وای به حال متحذینتان که درباره‌ی آنها این جور عمل می‌کنید! اگر نمی‌دانستید، پس باز هم وای به حال متحذینتان که به شماها اطمینان می‌کنند و برنامه‌هایشان را با توافق شما اجرا می‌کنند و طراح‌ی می‌کنند که با اوضاع منطقه ناآشنا هستید. بنابراین بدانید که این منطقه را نمی‌شناسید، ملت‌ها را نمی‌شناسید و دارید اشتباه می‌کنید.

امیدواریم که خدای متعال همه‌ی گمراهان عالم را از گمراهی‌شان هدایت کند و آنها را از اشتباهاتشان برگرداند؛ و امیدواریم ان‌شاءالله خداوند متعال ملت ایران را روزبه‌روز عزیزتر و قدرتمندتر و برخوردارتر از امکانات زندگی

قرار بدهد و آنها را خوشبخت و سعادتمند کند؛
مادّه و معنایشان را ان شاء الله اصلاح کند؛ قلب
مقدّس ولیّ عصر ان شاء الله از مردم ایران راضی
باشد و دعای آن بزرگوار ان شاء الله شامل حال
همه‌ی مردم ما و شامل حال این حقیر باشد؛
روح مطهّر امام بزرگوار از ما راضی باشد و
ارواح طیّبه‌ی شهیدان از ماها راضی باشند.
والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

نگاهی به رویکرد فرهنگی رهبر انقلاب
به مقوله تولید؛
دمیدن روح امید و فرهنگ کار
بر کالبد جامعه

تعیین خط و مشی و سیاست‌های اصلی نظام از جمله وظایف مهم رهبری است که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی کشور نیز بدان تصریح شده است. اعلام یک نام و عنوان مشخص برای هر سال شمسی نیز یکی از روش‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در راستای همین وظیفه رهبری تلقی می‌شود که ایشان با نگاه به مهم‌ترین مسائل و نیازهای کشور، اقدام به نامگذاری سال‌ها می‌نمایند.

اما نگاهی به نامگذاری سال‌ها - که از سال ۱۳۷۸ آغاز شده است - نشان می‌دهد

که رهبر انقلاب بیش از یک دهه است که مسائل اقتصادی را در صدر نیازهای کشور در نظر گرفته‌اند و از سال ۱۳۸۷ بدین سو (به جز سال ۱۳۹۴) بر مساله تولید و کار متمرکز شده‌اند. در پیام نوروزی سال جاری نیز که به نام «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» مزین گردید، رهبر انقلاب در بخش اعظمی از پیام نوروزی و بیان شعار سال ۱۴۰۰ و نیز بیانات ایراد شده از سوی ایشان در روز اول سال ۱۴۰۰ هجری شمسی، به تبیین ظرفیت‌های اقتصادی کشورمان چه از نگاه کارشناسان و ناظران داخلی و چه خارجی، پرداختند. ایشان در این بیانات که مخاطب اصلی آنها، عموم مردم از قشرهای مختلف بودند، به ضرورت شعار تولید، الزامات، زمینه‌های مناسب آن در کشور و در کل کلیه ابعاد تحقق این شعار، توضیحات کارشناسانه‌ای مطرح نمودند.

حال باید دید که علت تأکیدات مکرر ایشان بر تبیین ظرفیت‌های اقتصادی کشور و فرهنگ کار چیست و چرا ایشان بر این مهم تأکید می‌ورزند.

رویکرد فرهنگی رهبر انقلاب به مبحث تولید

تا بدین جای، درمی‌یابیم که از سویی «تولید» و «رونق اقتصادی» یکی از دغدغه‌های مهم رهبر انقلاب طی یک دهه گذشته است و از سویی دیگر ایشان از مسئله «فرهنگ تولید» نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین زیربناهای رونق اقتصادی غافل نبوده‌اند.

شاهد مثال موضوع مورد ادعا-نقش فرهنگ کار بر رونق تولید- نیز در همین نامگذاری‌ها خود را نشان می‌دهد که معظم‌له عناوینی با صبغه فرهنگی نیز در نامگذاری این سال‌ها دخیل کرده‌اند و پیشوند و پسوندهایی چون اصلاح‌الگوی مصرف، همت مضاعف، جهاد، عزم ملی، مدیریت جهادی و... در نامگذاری سال‌ها کاملاً مشهود است.

این صرافت نشان می‌دهد که ایشان طی این یک دهه هرگز از عوامل فرهنگی در رونق اقتصادی کشور غفلت نورزیده و بر آن تاکید داشته‌اند و حال سوال اساسی اینجاست که تاکید رهبر انقلاب بر عوامل فرهنگی تولید در

کشور ما از کجا نشات می‌گیرد و چرا بر این عوامل تاکید دارند؟

مانع اصلی رونق تولید و اقتصاد در ایران چیست؟

تقریباً هیچ وقت ایشان از مسئله «فرهنگ تولید» نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین زیربناهای رونق اقتصادی غافل نبوده‌اند.

شاهد مثال موضوع مورد ادعا-نقش فرهنگ کار بر رونق تولید- نیز در همین نامگذاری‌ها خود را نشان می‌دهد که معظم‌له عناوینی با صبغه فرهنگی نیز در نامگذاری این سال‌ها دخیل کرده‌اند و پیشوند و پسوندهایی چون اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف، جهاد، عزم ملی، مدیریت جهادی و... در نامگذاری سال‌ها کاملاً مشهود است. ناظر و پژوهشگری تردید ندارد که کشور ایران به لحاظ ظرفیت‌های تولید و بازار مالی یکی از بهترین کشورهای منطقه و جهان است؛ ایران بر اساس آمار رسمی و تأییدشده مراجع معتبر بین‌المللی، حدود ۱۵۸ میلیارد بشکه نفت (۹.۳

درصد از کل منابع نفتی دنیا) و حدود ۳۳ هزار میلیارد مترمکعب گاز (۱۸ درصد دنیا) در اختیار دارد. علاوه بر این ایران از لحاظ مواد معدنی با توجه به عدم اکتشاف کافی در کل کشور دارای ۳۷ میلیارد تن ذخایر کشف شده و ۵۷ میلیارد تن ذخایر بالقوه و دارای ۱۱ درصد ذخایر معدنی شناخته شده جهان در میان ۱۵ قدرت معدنی جهان جای گرفته و یکی از کشورهای غنی از حیث دارایی های معدنی به حساب می آید. (مقایسه ذخایر و ارزش مواد معدنی با نفت، روزنامه اعتماد، شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۳، شماره ۳۱۹۸) اما این همه در حالی است که کشور ایران به لحاظ جمعیتی حتی ۱ درصد جمعیت جهان را نیز تشکیل نمی دهد و زمانی که این آمارها را در کنار میزان تولید ناخالص ملی و داخلی قرار می دهیم، به نتایج خوبی به لحاظ تولید ثروت از سرمایه های یادشده دست نمی یابیم. شاید به گمان بسیاری از مسئولان اجرایی و حتی مردم عادی، تحریم های ظالمانه غرب علیه ایران یکی از موانع مهم اوضاع فعلی باشد اما بررسی های انجام شده پس از

تحریم‌های سال ۹۱-۹۲ نشان می‌دهد سهم تحریم‌ها در به هم ریختگی اقتصاد کشور، ۲۵ تا ۳۰ درصد و سهم ضعف عدم توجه به ظرفیت‌های اقتصادی کشور، ۷۰ تا ۷۵ درصد است.

با نگاهی به این آمارها می‌توان دریافت آنچه که به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع تولید با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، بیشتر از آنکه جنبه مادی داشته باشد، جنبه معنوی و فرهنگی دارد و باید به آن توجه بسیار داشت.

پژوهشگران علوم اجتماعی با تمرکز بر «فرهنگ کار» و تاثیر آن بر تولید کشور به این مهم دست یافته‌اند که مهم‌ترین عامل رونق تولید و اقتصاد هر کشور نه صرف منابع مادی آن بلکه توجه به عوامل فرهنگی و رفع مسئله‌های فرهنگی تولید و رونق است که در ادامه به صورت گذرا به آن پرداخته می‌شود.

فرهنگ کار و نقش آن در رونق تولید

درمقایسه با مفاهیمی همچون فرهنگ سازمانی، فرهنگ عمومی و نظایر آن فرهنگ کار کمتر تعریف شده است. فرهنگ کار به عنوان يك سرمایه مهم انسانی و اجتماعی قلمداد می شود که سرمنشاء و یکی از پایه های مهم و اساسی ضرورت خلق حماسه اقتصادی در عرصه کار و تولید است. فرهنگ کار سالم و مثبت در افراد يك جامعه و به شیوهی خاص دريك بنگاه یا واحد کارگری، نوعی تعهد درمورد آن سازمان یا کارگاه ایجاد می نماید که ارزش آن بسی بیشتر از منافع شخصی کارکنان است.

از دیدگاه جامعه شناسی، کار یک کنش و یک فرایند است که به شدت متاثر از بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه است. از نظر تاریخی برای نخستین بار « کارل مارکس» اقتصاددان و جامعه شناس آلمانی «کار» را در معنای اجتماعی اش مطرح نمود. به نظر وی کار کنشی است که بین انسان و طبیعت برقرار می شود و انسان در جریان تغییر طبیعت خود

نیز تغییر می‌کند. «هابر ماس» علاوه بر کار، به کنش ارتباطی نیز جهت رسیدن به اهداف اشاره می‌کند. «آنتونی گیدنز» کار را کوششی میدانند که هدفش تولید کالا و یا خدمات برای برطرف کردن نیازهای انسانی است و بر همین اساس فرهنگ کار عبارت است از «مجموعه شرایط وقوانین حاکم بر محیط کار انسانی که بسته به موقعیت زمانی و مکانی می‌تواند متاثر از عوامل و پارامترهای مختلفی باشد.» (نقش فرهنگ کار و تولید در خلق حماسه اقتصادی، جمیل فرجی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه -

شماره ۱۷۶ - دی‌ماه ۱۳۹۳)

با این نگاه باید به این سوال پاسخ داد که چه عواملی یا مؤلفه‌هایی «فرهنگ کار» را تشکیل می‌دهند؟ به طور کلی عوامل بسیاری نظیر عوامل جغرافیایی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی در شکل دادن به فرهنگ کار موثر هستند. در ادبیات موضوع به مواردی نظیر میزان آمادگی و توان کاری نیروی انسانی، تسلط کارکنان بر ماهیت شغل، میزان حمایت سازمان از کارکنان، میزان انگیزه و تعهد کارکنان

به کارفرما، سازمان و مدیران، کیفیت آرایه بازخوردها، میزان اعتبار و تطابق تصمیمات با قوانین سازمانی، نگرش‌ها و روحیه کار جمعی، اخلاق کاری و غیره اشاره شده است. در کل نه عامل را می‌توان برشمرد. این عوامل خود معلول شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم، نظام شخصیت، نظام مدیریت و سازمان کاری است. این نه عامل عبارتند از:

- ارزش‌های درونی و برونی کار
 - تصویر ذهنی از استعداد کاری خود
 - احساس مفید بودن سازمانی
 - میزان عدالت سازمانی
 - میزان وضوح نقش‌ها و روش‌های کاری
- جدید

- نگرش مثبت به کار
- نظام فرهنگی حاکم بر جامعه
- برخورداری از میزان وجدان کاری بالا (فرهنگ کار با تأکید بر فرهنگ کار سازمانی، علی‌محمد احمدی، ماهنامه

وضعیت تاسف‌بار «فرهنگ کار» در جامعه ایرانی

زمانی که از دریچه «فرهنگ کار» به جامعه اقتصادی ایران بنگریم، درمی‌یابیم که بیماری‌های فرهنگی که بعضاً ریشه در برخی مشکلات اقتصادی به جای مانده از زمان شاه داشته است (همچون اقتصاد مصرف‌گرای رانتیر) بر جای این جامعه اثر نامطلوب خود را گذاشته و همین عوامل به پدید آمدن وضع فعلی در اقتصاد ایران منجر شده است. برای نمونه پژوهشی که در سال ۱۳۹۷ با موضوع «بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در ایران و چهار کشور آسیایی» صورت گرفت نشان می‌دهد که فرهنگ کار ایران در مقایسه با چهار کشور مورد مقایسه، پایین است و میانگین فرهنگ کار ژاپن ۳/۳۲، مالزی ۳/۲۶، ترکیه ۳/۱۹، چین ۳/۰۲ و ایران ۲/۸۶ می‌باشد.

در همین پژوهش مشخص گردید نوع شغل که از شاخص‌های خلاقیت، کارهای یدی و فکری، مزد و حقوق‌بگیری، مشاغل خانگی

و دولتی تشکیل شده است در همه کشورها تأثیر بالایی در فرهنگ کار داشته است، ولی این مهم در ایران در مقایسه با سایر کشورها پایین تر می باشد. این شاخص در ژاپن ۸۵/۳، چین ۶۶/۹، مالزی ۶۳/۹، ترکیه ۵۷/۳ و در ایران ۵۷/۱ درصد از فرهنگ کار را شامل می شود. حتی برخی از شاخص های شغلی مانند نوآوری که در همه کشورها تأثیر زیادی در فرهنگ کار ایجاد نموده اند تأثیرشان در ایران پایین تر از دیگر کشورها می باشد. تأثیر خلاقیت در زیرگروه عوامل شغلی در ژاپن ۷۰/۱، چین ۵۰/۵، ترکیه ۴۳/۴، مالزی ۴۰/۸ و در ایران ۳۲/۷ گزارش شده است. (جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر فرهنگ کار در ایران و چهار کشور آسیایی، مریم نهاوندی و مریم مقدم اصل، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۷، شماره ۸۱، تابستان ۱۳۹۷)

ساعت مفید کاری که یکی از عوامل مهم فرهنگی به شمار می آید نیز در ایران اوضاع چندان بهتری نسبت به وضعیت فرهنگ کار ندارد و برآوردهای مرکز پژوهش های مجلس در سال ۹۱ نشان می دهد که از ۴۴ ساعت

کار هفتگی قانونی در کشورهای توسعه یافته ۲۸ ساعت به صورت مفید انجام می‌شود و در ایران با وجود انجام ۴۴ تا ۴۹ ساعت و بیشتر کار در هفته؛ ساعات کار مفید فقط ۱۱ ساعت است و زمانی که از بخش خصوصی به بخش دولتی می‌رویم همین مقدار کم هم تنزل یافته و میزان ساعت مفید کاری به ۲۲ دقیقه در روز هم می‌رسد!

از موانع فرهنگی رونق تولید در کشور که بگذریم، نگاهی به وضعیت عمومی روانی جامعه نیز می‌تواند راهگشای ما در مسیر رفع موانع تولید باشد. جای تاسف است که بگوییم با این همه منابع غنی و سرشار، جامعه ایرانی با درگیر شدن به عوامل روانی و رفتاری، نمی‌تواند رشد لازم را داشته باشد و این موضوع همت بیشتری را می‌طلبد. یکی از مهم‌ترین موانع روانی تولید در حال حاضر، ناامیدی‌های کاذب موجود در جامعه است که اگرچه توسط رسانه‌ها با بزرگ‌نمایی درست انعکاس داده نمی‌شود اما مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در پژوهشی به نام «آینده

پژوهی ایران ۱۳۹۶» در همین رابطه تصریح می‌دارد که «ناامیدی نسبت به آینده، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد فشار روانی بر توده مردم است. بر اساس یافته‌های سنجش ملی سرمایه‌های اجتماعی در سال ۹۴ تنها حدود ۲۴ درصد از مردم کشور، آینده را بهتر ارزیابی می‌کنند و حدود ۷۵ درصد از مردم معتقدند که آینده بدتر می‌شود یا فرقی نمی‌کند».

نکته دیگر اینکه در این پژوهش درباره نتایج مشارکت خبرگان نیز آمده است: «تنها حدود هشت درصد از خبرگان، وضعیت سال آینده را بهتر ارزیابی کرده‌اند. این آمار برای شهروندان تنها حدود ۹ درصد است. در سطح کلان و عینی مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر ناامیدی نسبت به آینده در بین جوانان، اشتغال و مساله ازدواج است».

از جنبه روانی موضوع هم که بگذریم، متاثر از همین عوامل، رفتار کاری جامعه ایرانی نیز دچار اختلال‌هایی شده است و بر اساس آمارهای مجله جهانی ارزیابی رفتار بین‌المللی، ایرانیان در تنبلی اجتماعی بعد از اعراب و

آفریقاییان جایگاه سوم را در جهان به خود اختصاص داده‌اند.

چرایی تاکید رهبر انقلاب بر ظرفیت‌های اقتصادی کشور

با نگاهی اجمالی به وضعیت فرهنگ کار در کشور مجدداً به سوال اصلی این نوشتار بازمی‌گردیم که علت تاکید فراوان رهبر انقلاب به ظرفیت‌های اقتصادی کشور در پیام نوروزی ایشان چیست و چرا برای چندمین بار بر این موضوع تصریح داشتند.

در پاسخ به این سوال باید در نظر داشته باشیم که علی‌رغم همه‌ی ظرفیت‌هایی که در همین نوشتار از آنها یاد شد، امروز بیشتر از آنکه با موانع مادی سر و کار داشته باشیم، از یک سو با آسیب‌های جدی در حوزه فرهنگ کار و احساس امید نسبت به آینده مواجه هستیم و از سوی دیگر با مسئولان اجرایی روبرو هستیم که مدام بر طبل عدم وجود ظرفیت‌های داخلی برای رونق اقتصادی می‌کوبند و تمام امید خود را به خارج از مرزهای کشور بسته‌اند

و با عهدشکنی‌های مکرر طرف‌های خارجی، به ناامیدی جامعه ایرانی دامن زده‌اند. رهبر معظم انقلاب با درک این وضعیت پیچیده، همچون گذشته راهبرد خود را استفاده از ظرفیت‌های داخلی برای رونق وضعیت اقتصادی مردم قرار داد تا از این رهگذر، زمینه‌های تسهیل معیشت مردم نیز فراهم شود.

علاوه بر این به یاد داشته باشیم که بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF) ایران با ۱۲۸۴ میلیارد دلار تولید، در رده هجدهم جهان قرار دارد اما اگر به ظرفیت‌های اقتصادی خود توجه نکند، رتبه اقتصادی ایران در سال ۲۰۵۰ تنزل کرده و به رتبه بیست و پنجم جهان می‌رسد! بر همین اساس ایران برای ارتقا یا حفظ جایگاه کنونی خود در اقتصاد جهان راهی جز توجه به ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی خود ندارد و لازم و ضروری است که در درجه نخست مسئولان اجرایی و تقنینی کشور با باور این ظرفیت‌ها، دست به احیای جایگاه اقتصادی واقعی کشور بزنند.

تلاشی که به تعبیر رهبر انقلاب نیاز به معجزه ندارد و «شرطش این است که یک مدیریت قوی وجود داشته باشد، مدیریت ضد فساد بر کشور حاکم باشد و یک برنامه‌ی جامع اقتصادی هم وجود داشته باشد؛ اگر باشد، از این ظرفیتهایی که هست می‌توان استفاده کرد.» (سخنرانی نوروزی در نوروز ۱۴۰۰ خطاب به ملت ایران)

حضور پررنگ مردم در مدیریت مسایل کشور

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات نوروزی سال ۱۴۰۰ خویش که به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی بصورت ویدئو کنفرانس صورت گرفت، به محور و موضوع بسیار مهم نقش آفرینی مردم در حل مسائل کشور اشاره داشتند. «به نظر من خوب است که چنین گزارشی در صدا و سیما به وسیله‌ی کسانی که با این مسائل آگاه هستند به مردم داده بشود تا بدانند که برداشتن بعضی از این موانع تولید بر عهده‌ی خود مردم است، و بعضی بر عهده‌ی دستگاه‌های دولتی یا بکلی دستگاه‌های حکومتی است». (سخنرانی رهبر انقلاب

در روز اول نوروز ۱۴۰۰، ۱۴۰۰/۱/۱) همچنین معظم له در انتهای بیانات خویش و ارائه‌ی راهکارها نیز باری دیگر در فرازی مهم به این مسئله بصورت مفصل می‌پردازند: « یک نکته‌ی دیگری که در باب اقتصاد کشور خوب است عرض بکنیم، این است که رفع مشکلات احتیاج به همراهی مردم دارد؛ همدلی مردم. هر کاری که مردم وارد شدند قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این جور بوده؛ در همه‌ی اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده. من می‌خواهم عرض بکنم در مسئله‌ی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای تولید، خود مردم میتوانند نقش ایفا کنند...» (سخنرانی رهبر انقلاب در روز اول نوروز ۱۴۰۰، ۱۴۰۰/۱/۱)

لذا در این مقال بناست به این مسئله مهم که اقتصاد مردمی است و سابقه‌ای فرهنگی اجتماعی در گفتمان رهبر انقلاب دارد و ضرورت تحقق آن نیز، تصحیح و بهبود فرهنگ اقتصادی مردم در این راستا است.

انقلاب اسلامی و حل مسائل کشور با حضور مردم:

انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن بر پایه عوامل مختلفی شکل گرفت که یکی از مهم‌ترین آنها حضور و مشارکت همه جانبه‌ی مردم بود. همچنین در میان اشتراکات فکری و عملی رهبران و امامین انقلاب، توجه حقیقی و عملی به این حضور و مشارکت حداکثری در مسایل مختلف کشور، از اهمیت اخلاقی، بنیادی و استراتژیک خاصی برخوردار است که متأسفانه در میان بسیاری از مسئولین، اغلب مغفول و مجهول مانده است. «اعتماد به مردم، عقیده‌ی واقعی به مشارکت مردم. بعضی‌ها اسم مردم را می‌آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است.»

(بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت)

از آنجا که جریان انقلاب ایران در آغاز و سپس در دوران هشت ساله دفاع مقدس با حضور پرشور مردم و بخصوص طبقات متوسط به پایین قوام یافت، می‌توان این حضور را یکی از عوامل بنیادی ماهیت انقلاب و جمهوری اسلامی برشمرد بطوری که هرگونه خدشه و نقصان در آن، می‌تواند ماهیت این نظام سیاسی را دچار اختلال بنیادی نماید. رهبران حکیم انقلاب، هر دو، این حقیقت را به درستی دریافته بودند و به همین دلیل در مناسبت‌های مختلف، به کرات آن را مورد تأکید و گوشزد قرار داده‌اند:

« از جمله‌ی مبانی مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام و شعارهای امام بزرگوار، مسئله‌ی مردم‌سالاری بود؛ یعنی اختیار حاکمیت کشور در دست مردم باشد؛ مردم انتخاب کنند، مردم بخواهند، مردم اراده کنند؛ در همه‌ی عرصه‌های زندگی. یکی از شعارهای امام مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی اینکه به مردم می‌گفت و تکرار می‌کرد که شما می‌توانید، شما قادرید؛ در علم، در صنعت، در

کارهای اساسی، در اداره‌ی کشور، در مدیریت بخش‌های مهم کشور، در اقتصاد و غیره، شما قادر هستید خودتان روی پای خودتان بایستید. اینها جذابیتهای شخصیت امام بود که توانست جوان‌ها را جذب کند. و جوان‌ها آمدند به نهضت امام بزرگوار پیوستند، انقلاب به پیروزی رسید.» (بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی ۱۳۹۶/۳/۱۴)

در یک نظام سیاسی، وقتی مشارکت عمومی، به‌عنوان یک عامل بنیادی و ماهیتی شناخته می‌شود، به‌معنای آن است که از جوانب مختلف و در زمینه‌های متفاوتی می‌تواند بروز و ظهور نماید و کیفیت و کمیت آن، اثرگذار خواهد بود. در ادامه به برخی از ابعاد اثرگذاری این عامل اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

مشارکت و حضور مردم در مسایل فرهنگی

حوزه‌ی فرهنگی، طیف وسیعی از موارد و زمینه‌های گوناگون را در بر می‌گیرد از جمله

زمینه‌های هنری، ورزشی، مذهبی، آداب و رسوم سنتی، سبک زندگی، و ... این حوزه‌ی نرم، که در واقع نرم‌افزار یک نظام سیاسی-اجتماعی است، حساس‌ترین و مبنایی‌ترین بخش تعامل نظام حاکمیتی با اقشار مختلف مردم است و شیوه‌ی عملکرد صحیح در آن، مستلزم توجه و حساسیت ویژه است. اگر حاکمیت در این زمینه بتواند به تعاملی روان با حداقل تنش‌ها و اصطکاک‌های خرد و کلان دست یابد، می‌تواند تضمینی برای سایر ابعاد حاکمیتی خود، فراهم نماید. اما چنانچه کنشگری مردم و حاکمیت، در حوزه‌ی این نرم‌افزار، دچار اختلال گردد، باید منتظر اختلال در حوزه‌های سخت از قبیل اقتصاد و سیاست بود! رشد و بالندگی در حوزه‌های فرهنگی، هنری و مذهبی، مستلزم وجود رابطه‌ای دوسویه و فعال میان مردم و نظام سیاسی و پرهیز از رابطه دستوری و نگاه بالا به پایین حاکمیت و نهادهای فرهنگی به مردم است. در حوزه مسایل مذهبی، برپایی مناسک مذهبی بصورت خودجوش

و مردمی منجر به اثرگذاری عمیق‌تر و سازنده‌تر خواهد بود و بالعکس، دخالت و برنامه‌ریزی‌های دستوری نهادهای حاکمیتی، علیرغم صرف هزینه‌های گزاف، اغلب وجهه‌ای تظاهری و نمایشی به خود می‌گیرند. یکی از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در زمینه‌ی مشارکت عمومی در حوزه فرهنگی- که مورد کج‌فهمی قرار گرفت و آنچنان که باید و شاید، مؤثر و مفید واقع نشد- بحث «آتش به اختیار» بود: «از جمله‌ی کارهای مهم، کارهای فرهنگی است؛ ما خُلل و فُرَج فرهنگی زیاد داریم؛ جاهایی که نفوذگاه دشمن است از لحاظ فرهنگی، بسیار است؛ این را، هم مجموعه‌های مسئول دولتی، هم مجموعه‌های گسترده‌ی عظیم مردمی موظفند که انجام بدهند. «آتش‌به‌اختیار» به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همّت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را- پیش ببرند، منافذ

فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند؛ آتش به اختیار، به معنای بی قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیانِ پوچ اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده‌ی دشمنان از وضعیّت کشور، و مراقب حفظ قوانین [باشند]؛ این مراقبتها در درجه‌ی اوّل متوجّه به نیروهای انقلاب است که دلسوزند، علاقه‌مندند و مایلند که کشور به سمت هدفهای خود حرکت بکند».

(خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۶/۴/۵)

مشارکت و حضور مردم در مسایل اقتصادی

«قوی‌ترین دولت‌ها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمی‌تواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از ساز و کارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم‌ها -البته نه همه‌ی

انواع سوسیالیسم - این فکرها را کردند که بتوانند دولت‌ها را متصدی کار اقتصاد کنند [اما] شکست خوردند. امکان ندارد و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]. بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیت‌های گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم.» (بیانات رهبر انقلاب در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی

(۱۳۹۹/۲/۱۷)

امروز و با توجه به شرایط نامتعارف اقتصادی که به دلایل مختلفی در کشور ایجاد شده و اقشار مختلف مردم بخصوص قشر آسیب‌پذیر جامعه را بیش از پیش دچار مشکل کرده، بهره‌گیری از مشارکت عمومی در حل مسایل اقتصادی از هر زمان دیگری بیشتر می‌تواند مؤثر واقع شود. در واقع بخش عمده‌ای از مشکلات اقتصادی نیز ناشی از آن است که در سالیان گذشته منابع و امکانات اقتصادی کشور در اختیار قشر

خاصی از صاحبان ثروت و قدرت بوده و دست مردم از هرگونه امکان و امتیاز اقتصادی جهت فعالیت و حرکت، کوتاه بوده است. در سالیان اخیر، بطور خودآگاه یا ناخودآگاه، دولت و بسیاری از وابستگان به منابع مختلف قدرت، خود را حائز این شایستگی و امتیاز دانسته‌اند که مدیریت منابع ثروت در سطوح مختلف را در دست گیرند و خود را صاحب اختیار تمام برنامه‌ها و تصمیمات امور اقتصادی مملکت دانسته و روزه‌روز نقش مردم کم‌رنگ‌تر و محدودتر گردد. به همین دلیل به جرئت می‌توان گفت انسداد اقتصادی که امروزه مملکت با آن دست و پنجه نرم می‌کند، بیش از آن که منسوب به تحریم‌های بین‌المللی و روابط خارجی باشد، ریشه در مناسبات و روابط اقتصادی داخلی دارد. نگاهی به نامگذاری سال‌های اخیر توسط رهبر انقلاب، نشان از دغدغه ایشان نسبت به شرایط اقتصادی مملکت و لزوم جدّ و جهد حقیقی در این حوزه دارد. رهبر انقلاب در پیام نوروزی خود باز هم این دغدغه را مطرح نمودند:

«رفع مشکلات احتیاج به همراهی مردم دارد؛ همدلی مردم. هرکاری که مردم وارد شدند قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این جور بوده؛ در همه‌ی اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده. من می‌خواهم عرض بکنم در مسئله‌ی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای تولید، خود مردم می‌توانند نقش ایفا کنند؛ چه آنهایی که سرمایه دارند و این سرمایه را در راه مثلاً بعضی از داد و ستدها و سوداگری‌های بی‌مورد مصرف می‌کنند می‌توانند اینها را در راه تولید مصرف کنند، چه کسانی که می‌خواهند کمک کنند به دیگران؛ مثل این کمک مؤمنانه‌ای که برای قضیه‌ی کرونا انجام گرفت که همه‌ی مردم وارد شدند، در قضیه‌ی تولید [هم] می‌توانند کسانی که توانایی دارند، برای یک نفر، دو نفر، ده نفر اشتغال ایجاد کنند و کمک کنند به اشتغال آنها.»

با توجه به رویه نادرستی که به دلیل برخی سیاستگذاری‌های رسمی و غیر رسمی، سال‌ها

در این مملکت باب شده، هر روز بیش از پیش شاهد انواع مفاسد و تخلفات اقتصادی سازمان‌یافته و نهادینه‌شده در بخش‌های دولتی و نیمه‌دولتی و حتی بنگاه‌های اقتصادی ظاهراً خصوصی - اما برخوردار از انواع رانت‌های دولتی و زد و بندهای پشت‌پرده- هستیم که آثار و پیامدهای آن از قبیل فقر و تبعیض و شکاف طبقاتی، روزبه‌روز پیکره‌ی این جامعه را خدشه‌دارتر می‌سازد و سرمایه انسانی و اجتماعی را به تحلیل می‌برد. این در حالیست که کشور ایران با برخورداری از انواع منابع انسانی، طبیعی، استراتژیک و ... جزو ثروتمندترین کشورهای جهان محسوب می‌شود اما متأسفانه در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و تکنولوژیک، حتی از برخی از کشورهای نه‌چندان پیشرفته نیز عقب مانده و نتوانسته حرفی برای گفتن داشته باشد. در ادامه گذری کوتاه به برخی از این شاخص‌ها خواهیم داشت:

۱. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته با اتخاذ سیاست‌های حمایت از بازار داخلی،

صنایع خود را تا مرزهای رقابت‌پذیری جهانی رشد داده و با استفاده از روش‌های متنوعی از جمله شکستن قیمت‌ها، سعی در به‌دست آوردن بازارهای هدف کرده‌اند. در این فضای رقابتی، برچسب «ساخت کشور» (MADE-IN-COUNTRY-INDEX) که به اختصار MICI خوانده می‌شود، روی کالاها در برگیرنده مفاهیمی مانند کیفیت، کارایی و اعتماد بوده و جایگاه ویژه‌ای در بازار یافته است. برای ترسیم جایگاه «ساخت ایران» از گزارش MICI سال ۲۰۱۷ استفاده شده است. این داده‌های آماری را مؤسسه آماری بین‌المللی STATISTA با استفاده از یک تیم مشتمل بر ۴۵۰ متخصص آمار، پایگاه داده و تحلیل‌گر، داده‌های کمی و آمار و اطلاعات مورد نیاز را از طریق پرسشنامه و تحقیقات میدانی در ۵۲ کشور جهان و با نظرات ۴۳ هزار نفر تهیه کرده است. آمار سال ۲۰۱۷ که مربوط به ۴۹ کشور به اضافه اتحادیه اروپاست، جایگاه کالاهای ساخت ایران را رتبه پنجاهم ارزیابی کرده است.

۲. در سطح دنیا بانک جهانی هر ساله گزارشی تحت عنوان سهولت کسب و کار منتشر می‌کند که آخرین گزارش این نهاد بین‌المللی رتبه ایران در سهولت کسب و کار گزارش ۲۰۲۰، بین ۱۹۰ کشور، ۱۲۷ بوده است. در این شاخص، رتبه ایران در سطح منطقه تنها از دو کشور عراق و افغانستان بهتر است. متغیرهایی که در گزارش سهولت کسب و کار نقش دارند، شامل عوامل داخلی هستند که ارتقای آنها ربطی به تحریم‌های بین‌المللی نداشته و عمدتاً به اراده و خواست دولت، شهرداری‌ها (صدور مجوز ساخت و ساز) و قوه قضائیه وابسته است.

۳. برای سنجش وضعیت توزیع درآمد یک جامعه، از شاخص آماری ضریب جینی استفاده می‌شود که عدد آن بین صفر (اشاره به برابری کامل در توزیع درآمدها) و یک (حاکمی از نابرابری کامل در توزیع درآمدها یا مخارج) است. در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد به جهت ناکارآمدی سیاست‌های دولت، در سال‌های اخیر ضریب جینی با رشد

بسیار چشمگیر از حدود ۰.۳۷ در سال ۹۰ به ۰.۴۰۹۳ در سال ۹۷ رسیده که این میزان در ۱۶ سال اخیر (از سال ۸۲ به بعد) امری بی‌سابقه است. جمهوری چک، اسلوانی و جمهوری اسلواکی سه کشوری هستند که با سیاست‌های مختلفی همچون سیاست کارآمد مالیاتی، مبارزه با فساد و رانت و دولت کارآمد توانسته‌اند نابرابری درآمدی در کشورهای خود را به‌طور قابل‌توجهی کاهش داده و در برقراری عدالت اجتماعی بیشترین موفقیت را داشته باشد.

۴. کیفیت زندگی از اساسی‌ترین موضوعات علوم اجتماعی است که در آن مؤلفه‌های مادی توسعه اقتصادی و تولیدات داخلی در کنار مؤلفه‌های غیرمادی چون کیفیت کار، سطح باسوادی و فرهنگی، استاندارد پزشکی و بهداشت، کیفیت فراغت و تفریح، شرایط محیط‌زیست، جو سیاسی و حتی آزادی و اتحاد ملی مورد بررسی قرار می‌گیرند. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۸ مؤسسه NUMBEO (از بزرگترین پایگاه‌های داده در جهان با اطلاعات

کامل در خصوص متغیرهای رفاهی)، کشورهای دانمارک، سوئیس، فنلاند، استرالیا، اتریش، هلند، ایسلند، آلمان، نیوزلند و نروژ به ترتیب ۱۰ کشور با بالاترین سطح کیفیت زندگی هستند. در این رتبه‌بندی ایران نیز در رتبه ۷۰ جهان قرار دارد. کشورهای شاخص همسایه ایران یعنی عربستان سعودی در رتبه ۳۲ و ترکیه در رتبه ۴۴ قرار دارند.

یقیناً شاه‌کلید حل بسیاری از مشکلات اقتصادی که در طول سالیان متمادی به گره‌های کور و بظاهر لاینحل بدل شده‌اند، آزادسازی امتیازات و امکانات اقتصادی به نفع مردم، تغییر در نقش دولت و مردم در اقتصاد، بازنگری در اختیارات و دخالت‌های نهادهای حاکمیتی در اقتصاد، و تقویت نقش مردم خواهد بود.

مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های

سیاسی

جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا رویه و مشی سیاسی خود را بر پایه دموکراسی دینی

و بهره‌گیری از نظرات مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی بنا نهاد. در طول چهل سال از عمر این نظام، مردم همواره در صحنه‌های مختلف سیاسی از قبیل انتخابات، راهپیمایی‌ها و... حضور پررنگ خود را به اثبات رسانده‌اند و اداره‌ی سیاسی کشور، همواره با حضور مردم معنا و مفهوم گرفته است. تا حدی که پس از انقلاب، این حضور و مشارکت سیاسی به یکی از مؤلفه‌های قدرت ایران در صحنه‌های بین‌المللی مبدل شده است و بنگاه‌های خبری و سیاسی جهان، همواره در تقویم سیاسی ایران، حضور مردم را به‌عنوان ملاک مشروعیت و مقبولیت نظام، مورد رصد و تحلیل قرار می‌دهند. بدین ترتیب ماهیت مردمی انقلاب ایران، موجب شده که هر یک از صحنه‌های سیاسی در ایران به منزله‌ی نوعی رفراندوم در مورد کلیت نظام قلمداد گردد. در مورد رهبر انقلاب نیز همواره در مناسبت‌های مختلف بر این نقش انکارناپذیر صحه گذاشته‌اند و آخرین بار در پیام نوروزی خود مجدداً بر آن تأکید فرمودند:

«از جهت وجهه‌ی خارجی هم انتخابات و حضور مردم و مشارکت مردم، نشان‌دهنده‌ی اقتدار ملی است. این را همه باید بدانیم و اذعان کنیم که بله، امکانات دفاعی و قدرت‌یهای دیپلماسی و امثال اینها به کشور اقتدار می‌دهد، در این شگّی نیست اما بیش از همه‌ی اینها مردم یک کشورند، ملتند که اقتدار می‌دهند. وقتی همه احساس کنند در دنیا -دشمن و دوست- که این ملت هوشیار است، بیدار است، سر پا است، عازم است، پُرانگیزه است، این کشور یک اقتداری، یک هیبتی در چشم همه پیدا می‌کند؛ چه دوست و چه دشمن. بنابراین حضور مردم موجب اقتدار کشور خواهد شد. و انتخابات، مظهر حضور مردم است؛ اجتماعات انقلابی، مظهر حضور مردم است و از همه مهم‌تر البته انتخابات است... آن کسی که بنده را هم قبول ندارد، شعار «ایران قوی» را قبول دارد. مسلماً ایران قوی بهتر از ایران ضعیف و ناتوان و توسری‌خور است؛ ایران قوی، ایران عزیز و دارای عزّت. خب حالا این قوّت را

چه کسی به ایران می‌بخشد؟ همان‌طور که عرض کردیم، ملت؛ ملت هستند که این قوت را به کشور می‌بخشند و حضور ملت و مشارکت‌شان هم - اصل مشارکت‌شان، اندازه‌ی مشارکت‌شان - مسلماً در این قوت ملی تأثیر دارد.»

انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی منحصر بفرد و ایدئولوژیک، دارای اهدافی خاص و منحصر بفرد است که می‌توان آن را در تشکیل امت واحد جهانی و دستیابی به تمدن اسلامی متبلور بدانیم. مراحل پنجگانه‌ی دسترسی به این هدف که شامل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی است، شرایط، امکانات و بسترهای نظری و عملی خاصی را می‌طلبد تا امکان بروز ظهور یابند.

حضور و رضایت مردم، مهم‌ترین مؤلفه‌ی ای است که این اهداف در بستر آن قابل تعاریف نظری و اجرای عملی هستند. همان‌گونه که جریان انقلاب اسلامی توانست با فراهم نمودن زمینه برای تحقق شعارها و خواسته‌های مردم،

حضور و همراهی حداکثری آنها را جلب نموده و نظام قبلی را سرنگون و مهر تأیید مردم را بر پیشانی خویش دریافت نماید، گام‌های بعدی بسمت تمدن اسلامی نیز مستلزم جلب حمایت و فراهم نمودن رضایت حداکثری مردم و همراه داشتن آنها برای رسیدن به هدف است. باید در نظر داشت که عوامل مختلفی می‌توانند در حمایت کمی و کیفی مردم از نظام ایجاد خدشه نمایند. از جمله عوامل خارجی و بخصوص عوامل داخلی.

نظام اسلامی و نهادهای حاکمیتی برای به ثمر رساندن خون شهدای این مرز و بوم، و نیل به اهداف انقلاب و نظام و دستیابی به قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در صحنه‌های بین‌المللی، باید تعامل سازنده با مردم در زمینه‌های گوناگون و بهره‌گیری از استعدادها، مادی، فکری و معنوی مردم، جلب رضایت حداکثری در حوزه‌های مختلف، حذف و به حداقل رساندن چالش‌ها و اختلاف‌نظرهای قابل اغماض و غیرضروری، در اختیار گذاشتن فرصت‌ها، تسهیلات و امتیازات بیشتر به مردم

در اقشار مختلف، و بطور کلی هر آنچه منجر
به ارتقای عزت و اعتماد و مشارکت ملی
می‌شود، را سرلوحه خود نماید.